

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

آسیب شناسی مراکز فرهنگی

موسسه مسجد

- ۶..... پیشگفتار
- ۸..... مقدمه
- ۱۲..... راهکارهای موفقیت در تبلیغ دین
- ۱۲-۱- پرسش و پاسخ.....
- ۱۳-۲- جایگاه شناسی.....
- ۱۳-۳- مشاوره دادن.....
- ۱۴-۴- درد آشنایی.....
- ۱۴-۵- توجه به زمان و مکان.....
- ۱۵..... فصل اول
- ۱۵..... الف. مسجد.....
- ۱۵..... تنها خانه خدا.....
- ۱۷..... مرکزیت برای ولایت.....
- ۱۸..... مسجد محل زیارت خدا، پیامبر، ائمه و مومنین:.....
- ۱۹..... مساجد سنگرند.....
- ۲۱..... کارکردهای بزرگ.....
- ۲۱..... مسجد خانه‌ای برای همه.....
- ۲۳..... مسجد و مدرسه.....
- ۲۵..... مساجد و مراقد مطهر.....
- ۲۵..... مسجد، نماد هر شهر.....
- ۲۶..... مسجد نماد دین:.....

- ۲۷ مساجد شیعه و سنی
- ۲۸ ب. سابقه مسجد:
- ۲۹ ج. سیمای مسجد در قرآن:
- ۳۲ د. احکام بنای مسجد:
- ۳۳ ه. فضائل مسجد:
- ۴۰ و. برخی از آثار مسجد:
- ۴۶ ز. تخریب مسجد:
- ۴۹ ح. مساجد آخرالزمان و عصر ظهور:
- ۵۲ ط. «مساجدهم» یا «مساجدالله»:
- ۵۴ فصل دوم:
- ۵۴ مراکز فرهنگی دیگر
- ۵۵ الف. اما حسینه:
- ۵۵ ۱. امام حسین علیه السلام قربانی انحراف
- ۵۷ ۲. اهداف مقدس
- ۵۸ ۳. تاریخچه حسینه
- ۵۹ ۴. کاروان سرا
- ۶۰ ۵. برخی از اهداف مروجین احداث حسینه‌ها
- ۶۱ ۶. خط قرمز
- ۶۲ ۷. نکات مثبت حسینه:
- ۶۴ ۸. عوامل کثرت حسینه
- ۶۵ ۹. آسیب‌ها:

۱۰. حسینه و حضور زنان: ۷۰
۱۱. راهکارهای تصحیح: ۷۶
۱۲. معابد یا مسجد ضرار ۷۹
۱۳. ائمه علیهم السلام و مسجد ضرار ۸۲
۱۴. غربت مساجد، چرا ۸۲
۱۵. نماز در حسینه ۸۴
۱۶. امتیازات مسجد بر حسینه و امثال آن: ۸۶
- ب. مصلی ۸۸
۱. نماز جمعه در مصلی ۸۸
۲. مصلی و اعتکاف ۸۹
۳. دفاع از مصلی ۹۰
- حرف آخر ۹۲

پیشگفتار

جزوهای که پیش روی شماست به نوعی آسیب شناسی نسبت به تعدد مراکز مذهبی است که توجه به آن می تواند مثمر ثمر باشد.

در اسلام یک کتاب برای هدایت وجود دارد و آن هم قرآن است و یک سنت برای تمسک پیش روی ماست و آن هم سیره پیامبر ﷺ و اهلیت مطهرش است و یک مکان جهت تبلیغ دین به رسمیت شناخته شده و آن مسجد است.

و هر کدام از مدار خود خارج گردد قطعاً نتیجه ای جز انحراف نخواهد داشت.

عده ای با اغراض سیاسی و مادی یا برتری جوئی دست به رقیب تراشی برای مسجد می زنند و چنان با ظرافت عمل می کنند که بعضاً از چشم تیز بین علما نیز دور می ماند.

امروزه هزاران مرکز مذهبی غیرمسجد تحت عناوینی مثل حسینیه، دارالقرآن، مجتمع فرهنگی، سالن های چند منظوره و غیره مشغول فعالیت اند و عموماً در رأس آنها علماء دین قرار ندارند.

در شهرها و روستاها این اماکن مردم را به دور خود جمع کرده و افرادی به آن پناه می برند و عده ای به راحتی از احساسات مذهبی آنان

سوء استفاده کرده، و با تشکیل حلقه‌های به اصطلاح عرفانی بدون راهنمایی علمای دلسوز کم کم پایه یک انحراف جدید را بنا می‌نهند.

به راحتی ادعا می‌کنند امام زمان عجل الله تعالی فرجه یا یکی از اولیاء الهی را در خواب دیده و ایشان فرموده اند که فلان مکان باید ساخته شود. و بدون مزاحمت اهداف خود را پیگیری می‌کنند.

اینگونه افراد سعی می‌کنند ارتباط خود را از روحانیت قطع کرده تا مبادا با روشنگری آنان، برنامه‌های آنها خدشه‌دار شود.

این مراکز در سه دهه انقلاب رو به فزونی نهاده و آسیب‌شناسی روی آن صورت نگرفته و مهار نگردیده است.

این جزوه مقداری از این آسیب‌ها را پرده‌برداری نموده و امید دارد راه برون رفت از آن را با همفکری و ارشادات شما عزیزان و کارشناسان به صورت کتابی شایسته در اختیار عموم قرار دهد.

از زحمات کلیه کسانی که در تهیه و تنظیم این مجموعه ما را یاری کردند تشکر میکنیم و از خداوند متعال برایشان آرزوی موفقیت مینماییم.

مقدمه

(...إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ...)^۱
(إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ... وَ لَمْ
يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ...)^۲

اگر این آیات را در کنار هم مورد توجه قرار دهیم مطالبی بدست می آید که برای بحث پیش روی ما و برای مبلغین عزیز خواندنی است.

مراد از علم در این آیه علم دین است چون علم در قرآن و روایات به علوم انسانی اطلاق می شود و لازمه ی علم دین، ترس از خداست و علوم دیگر چنین ثمره ای ندارند .
فقط علماء هستند که از غیر خدا نمی ترسند.

۱. فاطر ۲۸

۲. توبه ۱۸

آبادانی مساجد منحصر در کسانی است که از کسی جزء خدا نمی ترسند.

عمران مادی و معنوی مسجد که همانا رسالت الهی است، همواره با تنگناها و فشارهایی قهری یا عمدی همراه بوده که جز با نترسیدن از غیر خدا نمی توان از آن عبور کرد.

وجه اشتراک شیعه اثنا عشری با همه اهل سنت مسجد و وجه افتراق شیعه دوازده امامی با همه فرق ضاله شیعه در مسجد است.

با داشتن حکومت نوع و شیوه تبلیغ فرق می کند لذا نباید تبلیغ زمان طاغوت را با امروز مقایسه کرد. در نبود حکومت اسلامی فرد در امر تبلیغ خود، به صورت انفرادی عمل میکند و موفق می شود، ولی در حکومت اسلامی حرکتهای فردی موفق نیست بلکه باید حرکت جمعی و زیر نظر حاکم باشد. اما متأسفانه هنوز در حکومت، سیستمی تعریف نشده و مثل زمان طاغوت افراد و موسسات جلودار امر تبلیغ هستند که این تشتت موجب فتنه و نامالیمات برای مبلغین و مردم می شود.

برای نشر دین در سفرهای تبلیغی قبل از هر چیز هویت شناسی نیاز است که چرا و چه چالشی به وجود آمده و چگونه باید مرتفع گردد.

تبلیغ مؤثر نیاز به التزام عملی مبلغ به گفته‌های خود دارد (لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ).

تبلیغ دین و ترویج احکام یا ارشاد به کار خوب باید نتیجه هم داشته باشد نه اینکه فقط ادای تکلیف باشد.

آنچه مردم از ما می‌خواهند عمل به اسلام است و پی‌گیر آن هستند که ببینند ما تنها ادعا داریم یا ادعای ما همراه با عمل است.

عمده مبلغین و خطباء چیزهایی می‌گویند که رسانه‌ها بهتر از آن را بیان می‌کنند ولی تأثیر حضور طلبه مبلغ در بین مردم را ندارد چون طلاب با عمل و معاشرت، مردم را دعوت می‌کنند و رسانه‌های دیگر یک‌طرفه بیان میکنند و تنها گوینده‌اند.

با توجه به این که روحانی مربی جامعه است، نه معلم، و به این دلیل باید عامل به اسلام باشد نه فقط گوینده.

نتیجه‌ی تبلیغ باید شریعتمداری و دین‌داری باشد نه دین‌دانی و شریعت‌گریزی.

علاوه بر موارد بالا باید بدانیم که هر کسی باید به اندازه اعتبار خود سخن بگوید و بیشتر و بیشتر از تکلم نیز اعتبارسنجی کند، و حرفها را مستند و مستدل بیان کند. و اگر ما روایتی خواندیم و مردم از ما سند خواستند دلیل بر بی‌اعتباری ما است،

علماء اخلاق در کتب خود هنگام نقل روایت می‌گویند منقول است و معمولاً سند را ذکر نمی‌کنند با اینکه در کتابت، سند لازم است و با سخنرانی فرق می‌کند، و این دلیل بر اعتماد خواننده و شنونده بر کلام عالم

است. همانگونه که امام (ره) کمتر از متن قرآن در سخنرانی های خود استفاده می کرد، ولی کلام و کردارش مطابق با کل قرآن بود نه مثل برخی که یک آیه را تفسیر میکنند و کل قرآن را مشکوک جلوه می دهند.

راهکارهای موفقیت در تبلیغ دین

۱- پرسش و پاسخ

مردم نیاز به ابزار شناخت دارند نه خود شناخت، نیاز به صغری، کبری دارند نه نتیجه. ما باید مصداق (تَبَيَّنَ الرَّشْدُ) باشیم تا (لا اِكْرَاهَ) معنا دهد و آلا دین اکراهی و ابزاری بی اثر بلکه مضر است مانند دین بنی امیه‌ای و بنی مروانی .

ائمہ اطهار علیهم السلام کمتر در مقام وعظ و خطابه و سخنرانی بودند و اکثر روایات ما به صورت سوال و جواب است. اگر وعظ و خطابه بود، ما هزاران جلد کتاب خطابه و سخنرانی داشتیم.

عشق و علاقه‌ای که بعضی از خطبا به سخنرانی دارند ائمه اطهار علیهم السلام نداشتند لذا در مجموعه روایات و منابع اهل بیت، مقدار کمی از آنها در مقام سخنرانی بوده و جالب این که در اسناد فقهی هم به خطبه‌ها کمتر استناد می‌شود و بیشتر روایات، در قالب سؤال و جواب است که بهترین و مؤثرترین شیوه تبلیغ است.

کمتر سخنرانی کنیم و خود را به تکلف نیندازیم و مرتبا سخنرانی کنیم که سبب پایین آوردن قداست قرآن و حدیث و بی تفاوتی مردم به منبر و محراب و مسجد و عدم موفقیت ما می‌شود.

۲- جایگاه شناسی

اگر معتقدیم که **(اَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَاةَ)**، آن هم نماز با شرایط خاص خودش، پس اقامه آن در مسجد را عملاً به جامعه تزریق کنیم و مردم را به مساجد بکشانیم و بدانیم با اقامه نماز جذاب در مسجد، همه خیرات دیگر را به همراه خود خواهد کشاند چنانچه در روایات داریم که: **(اِذَا اعْتَادَ الرَّجُلُ بِالْمَسْجِدِ فَاشْهَدُوا لَهُ بِكُلِّ خَيْرٍ)**.

۳- مشاوره دادن

جماعت و مسجد زمینه همه خیرات و خوبی هاست که از برکات آن به همراه داشتن سوالات علمی و دینی و ملاقات و حشر و نشر با علماء است.

خیلی از ائمه جماعات، ساعات زیادی در مسجد با مشاوره های خود حلال مشکلات مردم اند و موفق هستند و بعضی هم همیشه به دنبال جمع آوری اعانات مردم و کانون و کتابخانه و غیره می باشند و در نهایت توفیق چندانی در اداره امور مسجد خود ندارند، چرا که در این صورت تدارکات مسجد مساله اصلی محسوب میشود و امامت و نظارت و مشاوره به حاشیه می رود.

۴- درد آشنایی

همیشه مریض مشکل خود را به پزشک حاذق عرضه می کند و پزشک نیز درمان مناسب را بیان میکند. نه اینکه دکتر سخترانی کند که من چه داروهائی دارم هر کس نیاز دارد مراجعه کند بلکه با بیان درد توسط مریض، پزشک نسخه مناسب همان فرد را تجویز می کند. مبلغانی که به درد بیمار خود توجه نمی کنند و نیاز آنها را بررسی نمی کنند نمی توانند موفق باشند.

۵- توجه به زمان و مکان

یکی از نکات قابل توجه در تبلیغ توجه به زمان و مکان تبلیغ است، در فرهنگ دین ما به ویژه در تشیع بهترین ایام تبلیغ، ماه مبارک رمضان و ماه محرم الحرام است که خودبه خود اکثر مردم آمادگی لازم جهت شنیدن وعظ و اندرز را دارند، البته باید در این فرصت ها برای تمام سال برنامه ریزی کرد نه اینکه کاری کند که بعد از محرم و ماه رمضان مساجد خلوت شود و امام تنها بماند

بهترین مکان تبلیغ مسجد است ولی متأسفانه در یک قرن گذشته عده ای دانسته یا ندانسته در صدد انتقال این مکان تبلیغی منحصر به فرد به مکان های دیگرند تا تبلیغ مؤثر را از کار انداخته و با جابجائی، مشکلاتی را به وجود آورند.

فصل اول

الف. مسجد

خصوصیاتی که در مسجد هست و در مراکز به اصطلاح فرهنگی دیگر وجود ندارد را می توان اینگونه بر شمرد:

تنها خانه خدا

با توجه به آیات (وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَسَعَى فِي خَرَابِهَا...)^۱ و (إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ... وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ...)^۲ و آنچه در متون دینی آمده است؛ ساخت مسجد عبادت و یک اصل است و موضوعیت

۱ بقره ۱۱۴

۲ توبه ۱۸

دارد ولو اینکه بدانیم کسی در آن حاضر نخواهد شد باز هم مسجد سازی عبادت است.

یکی از فلسفه‌های وجودی مسجد نظارت عالم بر عابد است که در غیر مسجد از کنترل خارج می‌شود.

احترام گزاردن به مسجد، واجب عینی است و هیچ کس حقّ تحقیر مسجد را ندارد؛ «ملعون ملعون من لم یوقر المسجد».

رفتن به مسجد، زیارت خداوند به شمار می‌آید و فقط برای اقامه نماز نیست.

دفاع از مسجد، خواسته‌ی خداوند متعال است.

هر کار و مکانی که مردم را به نحوی از مسجد جدا کند، منع از مسجد و سعی در تخریب آن است.

رفتن به مسجد مستحب ولی مانع شدن یا نرفتنی که باعث نرفتن دیگران شود بدترین ظلم است.

تطهیر مسجد، لازم است (واجب کفایی)، اگر چه کسی در آن نماز نخواند، به خلاف تعمیر حسینیه و امثالهم.

چرا باید خیلی از متولیان امر، ناخواسته و بدون توجه در لیست سیاه مانعین مسجد (مَنْ اَظْلَمَ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ) قرار گیرند و بر کار خود مباحثات و افتخار هم بکنند و از آن بالاتر با شعارهایی همچون مدرسه سازی بهتر از مسجدسازی و ترغیب مردم و حمایت از سازندگان

غیر مسجد و راهنمایی و تشویق‌ها، هدیه دادن و امتیازاتی می‌دهند ولی کسی که مسجد ساخته تاکنون هیچ تقدیر و تجلیلی بایسته نداشته بلکه با طرُق مختلف و غیر رسمی مانع تراشی هم برای آنان شده.

بعضی می‌گویند ما در نمازخانه یا حسینیه نماز جماعت می‌خوانیم چون مسجدی نیست که نزدیک باشد. در جواب باید گفت اگر همین نمازخانه نبود مردم به فکر ساخت مسجد می‌افتادند و همین در تخریب مسجد کافی است.

مخفی نماند زمینی که برای مسجد در نظر گرفته شده و لو ساخته نشده باشد حکم و فضیلت مسجد دارد.

مرکزیت برای ولایت

وقایع سقیفه بنی ساعده اگر در مسجد بود، غضب خلافت نمی‌شد چرا که امیرالمؤمنین علیه السلام حتی بعد از عثمان حاضر به بیعت در خانه نشد و فرمود: «**لا بیعة الا فی المسجد**». وقتی مرکزیت اسلام از مسجد به دارالاماره‌ها رفت عاشورا پدید آمد. همه میدانیم که نماز انسان را متعادل می‌کند و از فحشا و منکر باز میدارد، مسجد نیز جامعه را در حالتی خارج از افراط و تفریط نگه می‌دارد. بالاترین ارزش علماء و ائمه مساجد به کنترل جامعه است و بر همین اساس است که امام زمان علیه السلام هنگام ظهور، مرکز حکومت خود را مسجد قرار خواهد داد.

وسعت هر حکومت اسلامی به داشتن مساجد زیاد و همراهی آن مساجد با حکومت است به طوری که حتی سلاطین جور هم برای نگهداشتن مردم سعی می کردند در امور اداره مساجد و بر طرف کردن مشکلات آن همکاری کنند. اما در انقلاب اسلامی ما تشکیل احزاب، به وجود آمدن مراکز فرهنگی متعدد، نشریات و... نتوانسته است جای آن را بگیرد.

حاکم با مساجد فراوان و فعال است که میتواند حکومت کند و الا ولایت فقیه در حاکمیتش با مشکلات متعددی روبرو خواهد شد.

مسجد محل زیارت خدا، پیامبر، ائمه و مومنین:

- ۱- زیارتگاه خداوند و انبیاء الهی. «... ثمّ زارنی فی بیتی»
- ۲- گر چه محلّ زیارت خداست و در روایات زیادی به آن اشاره شده ولی کمترین توجه به آن نمی شود و حال آنکه از آداب مسجد نماز است نه اینکه یکی از آداب نماز وقوع آن در مسجد باشد؛ جایی که بیشترین عمر پیامبر در آن گذشت و بیشترین آیات الهی در آن نازل شد.
- ۳- خوب است در هنگام ورود به مسجد بگویید (السلام علیک

ایها النبی و رحمه الله و برکاته)

- ۴- زایشگاه ولایت و روحانیت. « ولد علیّ فی الکعبه »
پرورشگاه امامت و رهبری. (سه روز ماندن علی علیه السلام در کعبه).

۵- مزار انبیاء الهی.

۶- استراحتگاه انبیاء الهی. (المساجد بیوت الانبیاء)

۷- مجالست انبیاء علیهم السلام. «المساجد مجالس الانبیاء»

مساجد سنگرند

با مروری در تاریخ در می یابیم که دشمنان دین ما، به نیکی دریافتند اصلی ترین و محکم ترین دژ و سنگری که از آن ضربه‌هایی سخت و جبران ناپذیر خورده و خواهند خورد، وجود مکان مقدسی همچون: مساجد و امامان آن، و ایامی همانند محرم و فصول تبلیغی دیگر است. آری، مساجد سنگرهای نفوذناپذیر اسلام و مسلمین هستند؛ از همین رو دشمنان، بیشترین توان و کوشش خویش را برای تخریب و تضعیف آن به کار گرفته، هر روز با طرح نقشه‌ای جدید در صدد مبارزه با آن هستند. آنان یکی از مؤثرترین راه‌های مبارزه با این مکان را، احداث مکان‌هایی با عنوان حسینیه و تکیه و مراکز و مجتمع‌های فرهنگی، مذهبی و ... مورد توجه قرار داده‌اند. این کار در گذشته و در سال‌های اخیر با شدت بیشتری دنبال می‌شود. گروهی از مردم نیز آگاهانه، یا ناآگاهانه به چنین مراکزی که معمولاً در چند قدمی مساجد، در هر کوی و برزنی پیدا می‌شود، روی آورده و قهراً از خانه‌های خدا روی گردان شده‌اند!

کارکردهای مسجد بعد از انقلاب چندین برابر شده و لکن مسجد و امامت آن جایگاه بایسته و اصلی خود را پیدا نکرده اند، به نحوی که به عنوان مثال آمار نماز صبح به کمتر از پنج درصد مساجد رسیده، از نظر سرانه و تعداد مسجد، مشکل جدی وجود دارد. شصت درصد مساجد موجود کشور روستایی هستند. که حدود سی درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهند و چهل درصد مساجد در شهرها (آن هم در بافت قدیم) می باشد با جمعیتی بالغ بر هفتاد درصد از کل جمعیت کشور.

در محدوده توسعه یافته شهرها، شهرک ها و حاشیه شهرها نیز بحران کمبود مسجد وجود دارد. شاید ما تنها کشوری باشیم که مسجدها سازان و اهالی مسجد پشتوانه قانونی ندارند و هنوز هزینه آب و برق و گاز از مساجد گرفته می شود در حالی که مساجد بیشترین خدمات را به نظام اسلامی ارائه می دهد.

بعد از پیروزی انقلاب و جنگ همه امور فرهنگی می بایست با دقت کارشناسی می شد چرا که لازمه حکومت وجود نیروهای منافق و پست طلب است که باید شناسایی و طرد شوند و اگر مراقبت نشود نتیجه معکوس خواهد داد.

کارکردهای بزرگ

دشمنان قسم خورده‌ی انقلاب اسلامی، از ساختمان و فضای مسجد - چه کوچک باشد و چه بزرگ - هراسی ندارند، بلکه از آن می‌هراسند که صاحب آن بنا، بدست مردمانی وارسته و اهل ایمان، - و با هدایت روحانیت راستین و حوزه‌های علمیه، که هرگز نمی‌توان آنان را فریفت و تهدید، یا تطمیع کرد یا به انحراف کشاند- آنان را سرنگون کند و نقشه شوم آنها را نقش بر آب سازد

دشمنان میدانند حرکت مردم بدون روحانیت یا روحانیت بدون مردم همواره ابتر و محکوم به شکست است و این دو فقط در مسجد قابل جمع است.

مسجد خانه‌ای برای همه

بنابر آموزه‌های اسلام عزیز، دین در پذیرش پیشوایی الهی (پیامبر و ائمه) خلاصه می‌شود، (ان الدین عند الله الاسلام) و (الاسلام هو التسليم). چنانچه کسی از لحاظ عقیدتی، وابسته عقیده‌ی پیامبر اکرم ﷺ نباشد، هر چند لحظه به لحظه فریاد «الله، الله» بر زبان بردارد، دیندار نیست. هرگز نباید پیام قرآن را به فراموشی سپرد: **(وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنِ**

تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَي رِسُولِنَا أَلْبَاحُ الْمُبِينُ^۱ و پیامبر، راه خویش را به فرمان خدا، چنین آشکار ساخت (قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ)^۲؛ اما چه بسا بیش تر افراد جامعه، حتی کسانی که مدعی روشنفکری و تحول هستند، فقط و فقط به عناوین و شعارهایی چند، دل خوش کرده و از پرداختن به حقایق دین - که تنها در پرتو تفقه و درک همراه با بصیرت حاصل می گردد- بازمانده اند.

از بررسی متون دینی و روایات چنین بر می آید که در عصر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مسجد، دارای منبر، محراب، صفه، روضه الصبیان (=محل بازی کودکان) و احیاناً درخت و آب بود، ولی از مرافق دیگر (مثل صندوق، کتابخانه، مستغلات و حسینیه و امثالهم) نشانی نمی توان یافت. و سپس در دوران خلفا - به ویژه خلیفه های عباسی - دارای مکان امانات و کتاب نیز گردیده است.^۳

گرچه مسجد در صدر اسلام محل حکومت بود و در عصر ظهور نیز همین گونه خواهد بود و همه شعبه های حکومت باید در مسجد برپا باشد.

۱ تغابن/ ۱۲

۲ یوسف/ ۱۰۸

۳ بدون آن که در ساختمانی مستقل و مخزن کتاب یا امانات باشد. طبق اسناد تاریخی، نخستین چیزی که به مسجد ملحق شده، کتابخانه‌ی مستقر در مسجد، نه در بنایی جداگانه، است. حسینیه‌ها نیز تا چندی پیش در جوار مساجد، بنا می گردید، اما حکم مسجد را نداشت.

اما چرا بعضی امور که بودجه و خدمات دولت را دارد باید در مسجد باشد. همچنین در تاریخ می توان سراغ از مساجدی کوچک و بدون منبر گرفت، که فقط در آن ها نماز جماعت می خوانده اند و نیز مساجد جامع، که غالباً حاکمان و حکیمان برای نماز جمعه و تدریس می ساخته اند. این گونه مساجد به گروهی خاص تعلق نداشت و درهای آن ها پیوسته گشوده بود و به محله های مختلف، راه داشت و ثواب حضور و اقامه ی نماز در چنین مساجدی، افزون تر از مسجدهای محلی است.

کسی با ساختن مراکز خدماتی (مثل جاده، پل، درمانگاه و مسافرخانه مجانی) برای مردم مخالف نیست ولی در ساخت مراکز عبادی، مذهبی و فرهنگی باید دقت کرد.

مسجد و مدرسه

عالمان هوشمند، هنگام احداث حوزه ها معتقد بودند: مسجد مکان درس و تعلیم و تعلم است و حتی خوابیدن طلبان در آن بی اشکال است.^۱ در نتیجه: مخالف ساخت مدارس به صورت جداگانه بودند، اما پس از گذشت زمانی چند، و کثرت دانش پژوهان دینی و ازدحام در مسجد،

۱ مسجد در دوران نبوی (ص) فقط مخصوص عبادت نبود، بلکه در آن به امور مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی می پرداختند. از روایات بر می آید مساجد عصر ظهور نیز جایگاه آموزش قرآن و علوم اسلامی خواهد بود.

غرفه‌ها و حجره‌هایی را در صحن و حیاط مساجد برای سکونت آنان در نظر گرفتند (مسجد جامع الازهر کشور مصر نمونه آن است). پس از انقلاب اسلامی، انتظار می‌رفت این سیره و سنت مبارک استمرار یابد و حوزه‌های علمیه از مراکز شهرها و بازار، جدا نشود؛ چنان که جماعت تبلیغی اهل سنت تبلیغات، سکونت، خوردن و خوابیدنشان در مسجد است. خوردن در مسجد خصوصا اگر به قصد تبرک باشد پسندیده است و خوابیدن خصوصا برای خادمان دین و مسجد جایز است و کراهتی ندارد. وجود مدرسه علمیه در کنار مساجد بزرگ توفیقی است برای طلاب جهت شرکت در نماز و تامین کننده نیروی انسانی مسجد است.

وقتی عالمان بزرگوار، برای سکونت طلبان، اجازه‌ی ساخت غیر مسجد ندادند، چگونه می‌توان مکانی را ساخت که رقیب مسجد، باعث رویگردانی مردم از آن، و عاملی برای تلبیس و تلویت ساحت مقدس شیعه گردند؛ آن گونه که بدترین فرقه‌ها (= وهابی‌ها) زشت‌ترین نقدها را بر ضد ما بر زبان جاری می‌کنند.^۲

۱ اسکان طلاب در شهرک‌ها، مجتمع‌ها و ... و احتمالاً جایگاه‌های اختصاصی! از جمله معضلاتی است، که باید در مجالی گسترده به آسیب‌ها و چالش‌های آن پرداخت. اجمالا طلبه‌ای که جدای از مردم و مسجد تحصیل علم کند در تبلیغ و مواجهه با مردم دچار مشکل خواهد شد که شده و بعضی از طلاب در پادگانی تحصیل کرده و در پادگانی تبلیغ می‌کنند و از تبلیغ در بین عامه مردم عاجزند.

۲ انّ للشیعه مسجد ضرار یسمی بالتکایا و الحسنیات! و(الرافضه یرفضون المساجد و یعطلونه‌ها...)

مساجد و مراقد مطهر

علمای دین مساجد را بزرگ‌تر از مراقد می‌ساختند و شاید نتوان مرقد معتبری بدون مسجدی در کنار یا قسمت بالاسر آن پیدا کرد، (حرم مطهر همه ائمه که ساختمان و بنائی دارند) چنان که مسجد گوهرشاد، کنار مرقد امام هشتم علیه السلام و مسجد اعظم، کنار مرقد حضرت معصومه علیها السلام دیده می‌شود، این نمادها، به دوستان و دشمنان، درس‌های بایسته و لازم را می‌آموزد.^۱

مسجد، نماد هر شهر

در ورودی برخی شهرها، نمایی از حیوانات و یا محصولات کشاورزی در قالب ها و هیأت‌های گوناگون به چشم می‌خورد، که نماد اقتصادی و سبب ایجاد توقع است. چراغ‌های سبز، در کشورهای اسلامی علامت مسجد بوده و هست، اما در ایران نشانه‌ی طبّاخ‌ی، کبابسرا، و نمادی از (شکم) به شمار می‌آید. اکنون شهرها را با برج‌ها می‌شناسند و مناره‌ها را غبار غفلت و فراموشی پوشانده است. در حالی که رضاشاه پهلوی گفته بود که نماد شهرها نباید مسجد باشد بلکه باید شهربانی باشد

۱ گفتنی است: فقط در کنار حرم حضرت معصومه چهار مسجد شناسایی شده است: مسجد بالاسر، مسجد طباطبایی، مسجد اعظم و مسجد محمدیه.

وبرخی سعی دارند به جای مسجد در هر شهر، ساختمان استانداری و شهرداری، نماد باشد.

احداث مسجد در ورودی شهرها، بسی شایسته و بایسته تر از مظاهر دیگر به نظر می رسد زیرا؛

- ۱- تابلوی شهر محسوب می شود؛
- ۲- هنر معماری آن شهر را جلوه گر می سازد؛
- ۳- برای مهمانان قابل بهره برداری است؛
- ۴- جامعه شناسی و بهداشت روانی شهر را معرفی می کند.
- ۵- مقدّس است و روح معنویت را در شهر می افزاید.
- ۶- در هر شهری متناسب با آب و هوای خودش مسجد ساخته می شود.

- ۷- برای مسافران استراحت گاه است.
- ۸- برای حاضران نماد دینداری و فرهنگ دینی.
- ۹- برای دشمنان دلهره و برای دوستان سنگری مطمئن است.

مسجد نماد دین:

در طول تاریخ، بر اساس رخدادهایی همچون تغییر قبله، ردّ شمس و مکان‌هایی که پیامبر ﷺ احرام می بستند (میقات‌ها)، منزل‌های میان مدینه و تبوک و ... مساجد فراوانی بنا گردیده که در شمار مساجد محسوب

می شوند. و سیره و روش حاکمان این بوده که در هر مکانی که یک اتفاق تاریخی رخ داده است مسجدی به عنوان یادبود ساخته شود، اما امروزه به جای آن، تندیس‌ها و مجسمه‌هایی را می‌سازند، که علاوه بر اسراف، بی‌هویتی و مخارج سنگین، قابل استفاده نبوده، گاهی مظهر فساد و فحشا نیز واقع می‌شوند.

مساجد شیعه و سنی

عباراتی مانند: «مَنْ صَلَّى خَلْفَهُمْ كَمَنْ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ» یا «كَمَنْ شَاهَرَ سَيْفَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ» و ... که از امامان معصوم علیهم‌السلام نقل شده مؤید این مطلب است که حکم مسجد چه از شیعیان باشد و چه از اهل سنت تفاوتی ندارد و هر دو فضیلت مسجد بودن را دارند.

هیچ تفاوتی بین مساجد قاره‌ها و کشورهای گوناگون جهان و فرقه‌های اسلامی وجود ندارد و حکم مساجد اهل سنت و فرق آنها با مساجد شیعه یکی است مانند قرآن که در بین تمام فرقه‌ها واحد است.

ب. سابقه مسجد:

کهن ترین ساختمان های روی زمین همانا مسجد بوده «**إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ...**» و به قول امام صادق علیه السلام دو هزار سال قبل از خلقت انسان مسجد ساخته شده، اما چگونه و به دست چه کسانی؟ این مطلبی است که باید بررسی شود.

آخرین چیزی که در روایات به بقای آن اشاره شده نیز مسجد است. وقتی زمین زلزله شود «**إِذَا زَلَزَتِ الْأَرْضُ زَلْزَالَهَا**» و خورشید خاموش، فقط زمین مساجد می ماند و همانند جزیره به هم می چسبد «**يَنْضَمُّ بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ**» و تاریخ گذشته نشان می دهد کسانی که در مسجد و با مسجد بوده اند مثل مسجد ماندگار شده اند. انبیائی که در امر مسجد سازی و تطهیر آن گام برداشته اند، ماندگار ترند. انبیائی داشته ایم که از مسجد خارج نشده تا نکند در خارج مسجد قبض روح شوند. امیرالمؤمنین علیه السلام هم در مسجد به دنیا آمد و هم پرورش یافت و هم در مسجد ضربت شهادت خورد و آنچه خداوند از انبیاء و ائمه علیهم السلام خواسته است در مرحله اول ساخت مسجد و نگهداری و خدمت به آن «**وَ إِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ...**» بوده و در مرحله بعد تطهیر مسجد و غبارروئی از آرایش هاست.

ج. سیمای مسجد در قرآن:

اولین خانه برای مردم است؛ «**أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ**» و به دلیل اینکه برای مردم است، هر کس به حقوق مسجد تجاوز کند حق الناس انجام داده و گنااهش نا بخشودنی خواهد بود مگر با رضایت مردم. مبارک ترین قطعه زمین «**لِلذِي بَيَّكُهُ مَبَارَكَا**» حتی اطراف آن هم مبارک است (**بارکنا حوله**).

طراح و معمار آن خود خدا است؛ (**وَ اِذْ بَوَّأْنَا لِاِبْرَاهِيمَ...**). خدمت کردن در مسجد نذری بوده که برگزیدگان انجام میداده اند و افتخار همه انبیاء بوده است. و بر آن مستند شرعی داریم. (**نذرت ما فی بطنی محررا**) تنها نذری است که در قرآن آمده.

امن ترین مکان « **وَمِنْ دَخَلِهِ كَانِ اٰمِنًا** » امنیت اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، خانوادگی، فرهنگی، غذائی و روانی که هر کدام احتیاج به بحث مفصل دارد.

خانه ای است که بدون آن قوام و مقاومتی برای انسان ها نیست. «**قیاماً**

لِلنَّاسِ».

یادگار ماندگار انبیاء است. (**وَ اتَّخِذُوا مِنْ مَّقَامِ اِبْرَاهِيمَ مُصَلًّی**).

در ساخت آن شرائطی برای سازندگان وجود دارد (ما کان
للمشركين ان يعمروا مساجد الله) یا (انما يعمر مساجد الله من
آمن بالله...)

حضور در آن غریبه و خودی ندارد (سواء فيه العاكف و الباد)
از (قیاماً للناس) و (وضع للناس) فهمیده می شود که مسجد برای همه
انسانها است و در موضوع وقف مسجد می فرمایند: **وضع لكافة الناس**
نه فقط برای مؤمنین یا مسلمانان.

تنها خانه ای است که می تواند رفیع باشد؛ « **فی بیوت اذن الله أن
ترفع** ».

ساختن آن کار همه کس نیست؛ « **إنما يعمر مساجد الله** ».
محلّ پاکان و دوست داران پاکی است؛ « **فيه رجال يحبون أن
یتطهروا** ».

مسجد جایگاه علماء و مراجع دینی است. «... و لم یخش إلا الله»
و (انما یخشی الله من عباده العلماء).

نمایشگاه موحدان پیر و جوان است؛ « **فيه رجال یحبون أن
یتطهروا** »

خوابگاه خوبان و کسانی است که دوست دارند خوب باشند. « **فيه
رجال یحبون أن یتطهروا** »

پاسگاه نگهداری دین است. « و لولا دفع الله الناس بعضهم ببعض لهدمت صوامع و بيع و مساجد »

هر کس با آن در افتد زود طومارش در هم پیچیده می شود. (الم تر كيف فعل ربك باصحاب الفيل)

مبدء سفرهای آسمانی و محل عروج و نزول پیامبر است. « سبحان الذي أسرى بعبده »

محل آشنائی با قرآن است. « من أحب القرآن فليحب المساجد »

آمادگاه برای برطرف کردن ناهنجاری ها و نابسامانی ها. « فيه رجال يحبون أن يتطهروا »

صبحگاه سحر خیزان. « غدو و الاصال ».

شامگاه شب زنده داران. « بكرة و عشياً ».

بارزترین نماد دینی. « فی بیوت اذن الله أن ترفع ».

خدمت به مسجد شرف و فضیلت برای انبیاء نیز هست چه رسد به سایر مردم.

پایگاه قرآن و قرائت و عمل به قرآن است. « من أحب القرآن فليحب المساجد ».

د. ویژگیهای احکام بنای مسجد

- ۱- ساخت آن عبادت است گرچه کسی در آن نماز نخواند.
 - ۲- اگر حاکم شرع مخالف باشد حکم مسجد پیدا نمی کند یعنی به شرط ولایت است نه لا بشرط.
 - ۳- تمام مساجد، مشترک المنافع هستند. اگر تجهیزاتی در مسجدی بلافایده بود به مساجد دیگری انتقال می یابد.
 - ۴- اندازه خاصی ندارد مسجد بزرگ و کوچک هر دو مسجدند.
- «من بنی لله مسجدا و لو کمفحص قطاءه...»^۱
- (قطاه پرنده ای است کوچکتر از گنجشک و لانه اش بقدری کوچک است که سر و دم آن از لانه بیرون است. کسی به این اندازه مسجد بسازد.)
- ۵- تعدّدش مضرّ نیست هر چه زیاد باشد. آنچه ضرار است مسجد نیست و مسجد هیچگاه ضرار نمی شود.
 - ۶- درب مسجد به روی همه باز است و کسی حق بستن یا منع دیگران از ورود را ندارد.
 - ۷- احکام و آداب خاصی دارد و بعضی احکام در مسجد متغیر می شود.

- ۸- خواندن داستان‌ها و رمان‌های بی محتوا و مخدر و اشعار خیالاتی در مسجد ممنوع.
- ۹- سکوت در آن، آبادی و سر و صدا کردن در آن، تخریب مسجد است. «**کیف یعمّر المساجد؟ قالوا لا ترفع فیها الأصوات**» هر گونه سر و صدائی که مردم را از مسجد فراری دهد مصداق آیه (و سعی فی خرابها) است.
- ۱۰- تنها مکانی که کاربردش عوض نمی‌شود به خلاف کاروانسراها، حمامها و دانشگاهها.
- ۱۱- امام مسجد، بانی و مؤسس حق و توندارند.
- ۱۲- تنها موقوفه‌ای است که خود واقف هم می‌تواند استفاده کند. بعضی موقوفه‌ها برای واقف امکان استفاده نیست.
- ۱۳- مبداء مناسک حج و عمره است. (لزوم احرام از مساجد میقات)
- ۱۴- مرکزی که هیچ کسی نمی‌تواند بر آن تسلط پیدا کند. چون تولیت پذیر نیست و هیچ کس حق اختصاصی ندارد.
- ۱۵- شرکت برای عموم مسلمین آزاد است. «**حیّ علی ...**»

۵. فضائل مسجد:

- ۱- حتی نماز فرادی در آن فضیلت دارد.

- ۲- رفت و آمد به مسجد سفارش شده و ثواب دارد.
 - ۳- ساختنش عبادت است اگرچه کسی در آن نماز نخواند. مسجد سازی مقدمه عبادت نیست، بلکه خودش عبادت است یعنی هم موضوعیت دارد هم طریقیّت.
 - ۴- هر تعداد مسجد کنار هم باشد رقیب برای هم یا ضرار نیستند.
 - ۵- ساختنش آسان است چراکه به اندازه صاف کردن زیر پای یک انسان که به نام مسجد باشد کافی است. حتی نیاز به مصالح ساختمانی و تجهیزات ندارد و می تواند بسیار ساده باشد.
 - ۶- مومن واقعی عمران مسجد را وظیفه خود می داند.
 - ۷- خاکش مقدّس است زیرا هر جا مسجدی بنا شود قبر پیامبر و یا وصی پیامبر است یا قطره خون شهیدی در آنجا ریخته شده است.
- الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ رَفَعَهُ عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِهِ
قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام إِنِّي لَأُكْرَهُ الصَّلَاةَ فِي مَسَاجِدِهِمْ
فَقَالَ لَا تَكْرَهُهَا فَمَا مِنْ مَسْجِدٍ بُنِيَ إِلَّا عَلَى قَبْرِ نَبِيٍّ أَوْ وَصِيِّ نَبِيٍّ
فُقِتَ فِيهَا فَأَصَابَ تِلْكَ الْبُقْعَةَ رَشَّةٌ مِنْ دَمِهِ فَأَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا
فَأَدَّ فِيهَا الْفَرِيضَةَ وَالتَّوَافِلَ وَاقْضَ فِيهَا مَا فَاتَكَ»^۱.

۸- مسجد با شعور است که هم شهادت می دهد و هم شکایت می کند.

وَعَنْ رُزَيْقٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «قَالَ شَكَتِ الْمَسَاجِدُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى الَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَهَا مِنْ جِيرَانِهَا فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَيْهَا وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا قَبِلْتُ لَهُمْ صَلَاةً وَاحِدَةً وَلَا أَظْهَرْتُ لَهُمْ فِي النَّاسِ عَدَالََةً وَلَا نَالْتُهُمْ رَحْمَتِي وَلَا جَاوَرُونِي فِي جَنَّتِي».^۱

۹- احترام و تعظیم آن واجب و از شعائر اسلامی است.

«ملعون ملعون من لم يوقر المسجد».^۲ «و لا یسمى المسجد مسیجدا».^۳

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الْعِلَّةِ فِي تَعْظِيمِ الْمَسَاجِدِ فَقَالَ إِنَّمَا أُمِرَ بِتَعْظِيمِ الْمَسَاجِدِ لِأَنَّهَا بُيُوتُ اللَّهِ فِي الْأَرْضِ».^۴

«ذَلِكَ وَ مَنْ يُعْظِمُ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ».^۵

۱۰- رفتن به آن، هوشیاری و نرفتن آن، غفلت است. «الغفلة

ترکک المسجد».^۶ «فاسعوا إلى ذكر الله»

۱ . وسائل الشیعة/ ۱۹۶/۵

۲ . بحار الانوار ۲۱/۳۵۵/۷۶

۳ . بحار الانوار ۲۸/۳۵۸/۷۶

۴ . وسائل الشیعه/ ۲۹۷/۵

۵ . حج ۳۲

- ۱۱- محلّ پیدا کردن بهترین نعمت در دنیا و آخرت است که این نعمت، رفیق است. «أخاً مستفاداً فی الله».
- ۱۲- همه در استفاده از آن یکسانند. شرافتی برای صاحبان پول و ثروت و زر و زور نیست.
- ۱۳- محلّ اتصال نسل گذشته و آینده، به دلیل حضور کودکان و سالمندان.
- ۱۴- دوستان در مقابل دشمنان محکم و متحدتر می شوند.
- ۱۵- با وجود تعدّد و تجدّد رسانه‌ها، هنوز رسانه مسجد پاک‌ترین است.
- ۱۶- محبوب‌ترین قطعه زمین نزد خداوند متعال؛ «أحبّ البقاع».
- ۱۷- بهترین وسیله برای ابراز ادب نسبت به خداوند؛ «أحبّ البقاع».
- ۱۸- بهترین تجارتخانه‌ای که می‌توان در آن دنیا و آخرت را آباد کرد. «المساجد سوق من أسواق الآخرة».
- ۱۹- بهترین آرزوی اهل قبور و کسانی که دو جهان را مشاهده می‌کنند (ما من يوم إلا و ملک ینادی فی المقابر من یغبطون قالو هل المساجد).
- ۲۰- نشانه عدالت فردی است. «من اعتاد إلى المسجد فاشهدوا له بكلّ خیر».
- ۲۱- محل تعادل و اعتدال اجتماعی است.

۲۲- بهترین مکان برای شناخت معروف‌ها و معرفت‌ها؛ «**فيه رجال يحبون أن يتطهروا**» و بزرگترین منکر نشناختن و نرفتن به مسجد است.

۲۳- محلّ بيمه کردن عبادت. «**الصلوة في البيت هباءً منثوراً**» شرکت در جماعت سبب دوری از شكّ و سهو و اشتباه میشود.

۲۴- بهترین مکان برای تعاون در عبادت و إستعانت در دعا. (ایاک **نعبد و ایاک نستعین**).

۲۵- مکانی که الفت با آن الفت با خداست؛ «**من ألف المسجد ألفه الله**».

۲۶- بهترین سیاحت گاه امت اسلامی. «**سیاحة أمتی لزوم المساجد**».

۲۷- دال‌الاماره و دارالحکومه پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت امیر و امام عصر عجل الله فرجه.

۲۸- محلّ خوشه چیدن و بهرمندی واقعی. «**فارتعوا فيها**»

۲۹- نمونه‌ای از باغهای بهشتی که دل را بیش از شکم سیر می‌کند. «

روضه من ریاض الجنه»

۳۰- محلّ عروج عبادت و نزول برکات و آیات الهی.

۳۱- پالایشگاه انسان از بدی‌ها و منکرات. «**ترك ذنباً خشية أو**

حياة».

۳۲- آمادگاه رزمندگان. «لولا دفع الله الناس»

۳۳- عیدگاه برای جشن ها و سرورها. (ازدواج حضرت امیرالمومنین و حضرت زهراء (علیهما السلام) در مسجد)

۳۴- وعده گاه مجاهدان و دلسوزان. «رجال لا تلهيهم تجارة ولا

بيع عن ذکر الله».

۳۵- تفرّج گاه خستگان و غمزده ها. «تفرّجوا فی المساجد»

۳۶- دانشگاه طلاب علوم دینی. «فهو حظّه»

۳۷- دانشکده علوم انسانی. «علماً مستطراً»

۳۸- پژوهشگاه فقه و درایت. «حکمه بالغة»

۳۹- آموزشگاه تمامی دین. «من اعتاد إلى المسجد فاشهدوا له

بالایمان».

۴۰- نشانه ای از معبودهای غیر حقیقی در آن نیست. نه عکسی و نه

تمثالی و نه حتی چیزی که شمه ای از معبود داشته باشد.

۴۱- بعضی از پیامبران از مسجد بیرون نمی رفتند تا مبادا خارج از

مسجد رحلت نمایند

۴۲- محوریت مسجد با علماء و کارشناسان دین است.

۴۳- در کتاب و سنت آداب خاص و متعددی در خصوص آن وارد

شده.

آسیب شناسی مراکز فرهنگی ۳۹

۴۴- منافقین در آن راهی ندارند و اگر هم نفوذ کنند زود رسوا

می شوند.

و. برخی از آثار مسجد

- ۱- دشمنان دین را غضبناک و مکتب را بیمه می نماید.
- ۲- استفاده از مسجد برای مابی اشکال است و حقّ تحقیق و تفحص از بانی را نداریم.
- ۳- محلّ تجمع و دیدار اقشار جامعه از هر صنفی و هر قشری است (مسجد جامع به معنای جامع اصناف است)
- ۴- با وجود مراکز تفریحی و فرهنگی و حتّی مذهبی جدید و مورد حمایت دولت، هنوز مسجد پر استفاده ترین و ارزان ترین مکان عمومی است.
- ۵- بهترین سنگر برای در امان ماندن از جنگ نرم و سایبری است.
- ۶- مصداق بارز التزام عملی به اسلام. چون اصول دین که اعتقادی است و عمل ندارد و فروع دین برای همه در هر شرایطی نیست تا نمایشی داشته باشد. از روایات چنین بدست می آید که بارزترین مصداق التزام عملی به دین و ولایت همانا حضور در مسجد است و هنوز بدیلی برای آن پیدا نشده است.
- ۷- تنها پایگاه وحدت بین شیعه و سنی است که باید آن را غنیمت شمرد.
- ۸- حضور در آن مثل در کشتی بودن سبب نجات است، و جدائی از آن موجب غرق شدن است.

۹- نشانهٔ مدنیّت و اجتماعی بودن همهٔ دستورات اسلام است. (مسجد جامع).

۱۰- بهترین میراث فرهنگ دینی و دینداری است نه مثل کاخها که میراث ظلم پذیری ما است و کاروانسراها که میراث خدماتی و حمامها که میراث بهداشتی ماست.

۱۱- بهترین ستاد ولایت و بهترین نهاد عبادت. « لا بیعهٔ إلا فی المسجد »

۱۲- حضرت مهدی علیه السلام در «مسجد الحرام» ظهور، و در مسجد کوفه مستقر خواهد شد.

۱۳- بهترین نماد اطاعت دینی و استقلال فرهنگی.

۱۴- بهترین پادگان نظم و انتظام. « کما نودی الجیش بالشعار » (حاذو بین منا کبکم سوا صفوفکم).

۱۵- بهترین پاسگاه دفع مفسد اجتماعی. « من اعتاد إلى المسجد فاشهدوا له بكلّ خیر »

۱۶- بهترین زایشگاه و پرورشگاه (محل تولد ابرمرد تاریخ بشریّت امام علی علیه السلام).

۱۷- بهترین نمایشگاه برای معرفی کل دین. (از عبادت و اطاعت گرفته تا اخوّت و معاشرت - از توحید تا معاد - از نماز تا توکی و تبری و ...)

۱۸- بهترین محلّ برای ادارهٔ امور خانواده و تنظیم و حلّ مشکلات آن.

۱۹- بهترین مرکز تجمّع با کمترین ضایعات (غیبت ممنوع، رعایت نظافت، وجوب طهارت، هزینه‌های آن با همه، حفظ و نگهداری آن با همه)

۲۰- بهترین محلّ برای انتخاب همسر و همکار و همکلاسی و همسفر. «أخاً مستفاداً فی الله» و «لایناکحون و لایعاشروننا»

۲۱- بهترین محلّ برای همگرایی یاران.

۲۲- بهترین محلّ برای اصلاح ذات البین چون تقدس مکان از شدت مشاجرات می‌کاهد.

۲۳- بهترین محلّ برای مهمان شدن و مهمانی دادن، بدون دیپلماسی و کلاس و بدون شکّ و تردید و بدون زحمت و فشار.

۲۴- بهترین مدرسه‌ای که مردودی و فارغ‌التحصیلی ندارد لذا هر کسی با هر سنّ و معلوماتی می‌تواند شرکت کند. «فهو حظّه» «من اختلف إلى المسجد أصاب إحدى الثمان ...»

۲۵- بهترین جا برای سود خالص (شکر و قناعت).

۲۶- محلّ انتخاب حاکمان. «لا بیعه إلا فی المسجد»

۲۷- پرورشگاهی که تربیت یافتگان آن از سیّد قرشی است تا غلام حبشی.

- ۲۸- ابزار تربیت در آن کامل و بی بدیل است مانند: محبت، مشافهه و محیط .
- ۲۹- نمایشگاهی از بهترین اهل قبیله و محلّ است (لا یاتی من کلّ قبیله إلا وافدها و من کل اهل بیت إلا نجیها).
- ۳۰- محلّ اعتماد سازی و بارور کردن اعتبارها.
- ۳۱- در دسترس ترین محلّ تجمع اسلامی. هر کار و کلامی که بوی وحدت می دهد آزاد، و هر کار و کلامی که بوی تفرقه و سستی می دهد حرام ...
- ۳۲- محلّ بروز ناخالص ها. «المنافق فی المسجد کالطیر فی القفس»
- ۳۳- محلّ إعلان و امتحان راستی ها و صداقت ها. «المؤمن فی المسجد کالسمک فی الماء»
- ۳۴- بهترین مهد برای کودکان است. (روضه الصبیان)
- ۳۵- جاذبه های گردشگری که انسان را به تعبّد و تفکّر و تحرّک دعوت می کند. (لا تشد الرحال الا الی ثلاثه مساجد)
- ۳۶- محلّ پیدا کردن بزرگترین نعمت. یعنی رفیق «أخاً مستفاداً»، و دوری از بدترین نکبت
- ۳۷- تنها مکان بین المللی (کنفرانس اسلامی) که در سراسر دنیا شعبه های به هم پیوسته و بدون وابستگی دارد.

- ۳۸ - محلّ تولید اعتماد ملّی و اعتبار بین المللی که از بزرگترین پشتوانه های اقتصادی است.
- ۳۹ - کارگاه عبادت جمعی و جماعت. «ملعون من اختص نفسه بالدعاء»
- ۴۰ - درمانگاه افراتیون و وسواسی ها و مضطربها و مضطرب ها و اضطرابها.
- ۴۱ - قیامگاه نهضت‌های بزرگ، پیامبر، امام حسین و امام مهدی (علیهم السلام).
- ۴۲ - قرارگاه همراهان و اصحاب وارسته.
- ۴۳ - مشکل گشای مشکلات و نارسائی‌های روحی. «اذا همّ لکم همّ من هموم الدنيا»
- ۴۴ - باشگاه همفکران.
- ۴۵ - ورزشگاه روحی.
- ۴۶ - خیمه گاه دین و تشیع.
- ۴۷ - قبله گاه مردان خدا.
- ۴۸ - ندامتگاه شیطان.
- ۴۹ - بازداشتگاه منافقین.
- ۵۰ - دادگاه باغیان و یاغیان.
- ۵۱ - بیمارستان آلام و خستگی ها.

۵۲- دبستان نوجوانان.

۵۳- دبیرستان جوانان.

۵۴- هم محلّ فریاد است (آذان)، هم سکوت « لا ترفعوا فیها

الأصوات ».

۵۵- هم کوچکی به فرد، هم بزرگی به جامعه می دهد.

۵۶- هم بناء است، هم مبنا.

۵۷- هم کوچک، هم بزرگ.

۵۸- هم ساده، هم با زینت.

۵۹- هم موضوعیّت دارد، هم طریقیّت.

۶۰- هم کیفیّت، هم کمیّت.

۶۱- هم عبادت، هم اطاعت.

۶۲- هم حریم دارد، هم حرمت.

۶۳- هم برای همه است، هم فكّ الملك.

۶۴- هم شیعه، هم سنی.

۶۵- هم زادگاه، هم قتلگاه.

۶۶- هم محلّ عروج، هم محلّ نزول.

۶۷- هم شاهد، هم شاکی.

۶۸- هم خاموش، هم با شعور.

۶۹- هم خوشحال، هم ناراحت.

۷۰- هم فرد، هم جمع.

۷۱- هم إعتکاف، هم جماعت.

۷۲- هم دنیا، هم آخرت.

۷۳- مسجد تنها مکانی است که خداوند سیستم دفاعی آن را درون و ماهیت خودش قرار داده، به اصطلاح انتی بیوتیک و آنتی ویروسی در ماهیت خود دارد که هر نوع میکروب، ویروس، آلودگی و انحراف عقیدتی را ناکام و نابود می کند. هرچند ممکن است چند صباحی نفوذی هم داشته باشد و تبی هم ایجاد کند ولی قطعا توان نابودی مسجد را ندارد بخلاف دیگر اماکن که با ورود آلودگی انحراف، باید کاربری آنرا عوض کرد و آن مکان را تبدیل به پارک، پارکینگ و حتی زباله دانی کرد مثل حسینیه صوفی ها در قم یا مهدیه ای در یزد و غیره.

ز. تخریب مسجد

ما آموخته ایم که « راه مستقیم » یکی، و راه های انحرافی، فراوان است. از مسجد حتی قبل از اسلام نیز تعبیر به مسجد شده: (وَلَتَّخِذَنَّ عَلَيْهِم مَّسْجِدًا) و تا عصر ظهور و پس از آن نیز با همین عنوان، یاد خواهد شد. هر چند دارالقرآن ها، حسینیه ها با عناوین فراوانی مثل مهدیه، عباسیه

و زینیه، مهدالقرآن و جامعهالقرآن گسترش یافتند^۱ و نیز نمازخانه‌ها با نام سالن‌های چند منظوره، آمفی تئاتر، سالن‌های همایش و کنفرانس، تالارهای کدایی و ...

بعضی زمین وسیعی برای مسجد در نظر می‌گیرند و از مردم پول می‌گیرند و اول مرافق و تجهیزات مسجد را می‌سازند و در ساخت خود مسجد تعلل می‌کنند به این بهانه که اگر اول مسجد بسازیم دیگر مردم برای سالن، کتابخانه و امثالهم پول نمی‌دهند لذا به نام مسجد از مردم پول می‌گیرند و غیر مسجد می‌سازند که حکم شرعی آن را باید از مراجع عظام تقلید پرسید.

پرداختن به غیر مسجد، مصداق تخریب، بی‌احترامی، تنقیص، تنجیس، جلوگیری از زیارت خداوند، بزرگ‌ترین ظلم و... است. کدام حسینه، مجتمع مذهبی، یا نمازخانه‌ای را سراغ دارید که ساختن آن‌ها از توجه و حضور مردم در مسجد نکاسته باشد؟

یکی از اصول علمی و عقلی، وقوف در هنگام برخورد با شبهه است؛ آیا به احداث غیر مسجد در هر قالبی، یقین داشته و باور داریم؟! و آیا صرف هزینه در ساخت مرافق مسجد، اتلاف سرمایه خود و دیگران محسوب نمی‌شود؟

۱ در مباحث پیشین، برخی عناوین مربوط را از نظر گذراندیم.

همانگونه که طلیعه‌ی نوشتار آمده، هنوز یک قرن از تاریخ تولد حسینیه سپری نشده است، ولی در طول این مدت، بارها و بارها شاهد تعطیلی یا تغییر موضع این گونه بناها و دفترها و مراکز اختصاصی به‌ویژه پس از درگذشت بانی و واقف آن‌ها بوده‌ایم؛ در حالی که مساجد هرگز تعطیلی بردار نیست و رحلت بانی و واقف آن‌ها هرگز خلل و وقفه‌ای در روند کارشان حتی برای کوتاه‌ترین مدت ایجاد نمی‌کند و برای هیچکس حق اختصاصی ایجاد نمی‌کند. چرا که وقف مسجد، بر خلاف سایر موقوفات، شرط پذیر نیست؛ زیرا وقف در اکثر موارد به معنای «حبس الملک» است اما وقف مسجد «فک الملک» است؛ همچون: آزادی برده (=عتق رقبه) که تمام حقوق را ساقط می‌سازد. بنابراین، هیچ بانی و واقفی در مسجد، ولایت و حقّ و تو ندارد و حفظ و نگهداری آن بر عهده‌ی همه‌ی مردم است. و اما امثال حسینیه، اگر مصداق «من سنّ سنّه سیئه کان وزرها و وزر من عمل بها»^۱ چگونه بنیان آن پاسخگوی گناهای که در آن انجام خواهد گرفت میباشند.

چگونه با سیئاتی که احیاناً در آن دیده می‌شود و در حدیث آمده مقابله کند؟ در حالی که ثواب و خیر در مسجد به بانی و مؤسس تعلق می‌گیرد، اما اگر خلاف و گناهی نیز صورت پذیرد، بر عهده‌ی مردم

است؛ همچون تعمیر و طهارت مسجد که وظیفه‌ی همه‌ی مردم است، نه فقط واقف و بانی.

ح. مساجد آخرالزمان و عصر ظهور:

برخی که با مساجد و عملکرد آن، مخالفند، قبل از شناخت مسجد و بهره‌مندی از فضایل و منافع آن، دم از ضرر می‌زنند، و پیش از پیروی از عالمان ربّانی و روحانیون راستین، اخباری را رواج می‌دهند، و با تمسّک به برخی روایات آخرالزمان، از تخریب سقف مساجد و مناره‌ها توسط حضرت ولیّ عصر عجله‌الفرجه سخن می‌گویند!

جواب این است که :

۱- آن حضرت - روحی له الفدا- مثل اباء و اجداد مطهرش بهترین آبادکنندگان مسجدند چون در مسجدالحرام ظهور خواهند کرد و در **مسجد سهله** سکونت و در **مسجد کوفه مستقر** و به اداره و اصلاح تمام دنیا می پردازند. بنابراین، حضرتش برای اداره‌ی جهان، نیازی به دارالاماره، یا کاخ ریاست جمهوری و ... ندارد. بلکه به واسطه مسجد و امامت آن جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. مساجد عصر ظهور، و آنچه در آن ها صورت می پذیرد، محتاج کتابی مستقل است که در این مختصر نمی گنجد؛ اما برای روشن شدن اذهان، باید بحث تخریب را در این زمینه باز بینی کرد.

۲- تخریب مناره و سقف مسجد که در برخی روایات از آن سخن گفته شده به معنای ویرانگری و تخریب همه مسجد نیست، چنان که مراد از ساختن و تعمیر مسجد، ساختن فیزیکی آن نیست.

۳- تحول در معماری و ساختمان، در هر زمان و علی الخصوص در زمان ما، یک اصل محسوب می شود، و کارشناسان و معماران، تاریخ احداث و قدمت بنا را از مصالح و طرح معماری تشخیص می دهند، لذا نداشتن سقف و مناره تحولی در معماری مساجد خواهد بود.

۴- در یکی از روایات آمده که امام صادق علیه السلام از کیفیت ساخت و شکل آن خرسند نبودند و فرمودند: قائم آل محمد علیه السلام آن را خراب خواهد کرد و بهتر از آن را بنا خواهند کرد.

دلیلش این است که مصالح ساختمانی عوض شده معماری مساجد هم عوض خواهد شد پس تخریب آن حضرت برای عمران بهتر است نه براندازی مسجد. چنان که ممکن است سوخت وسایل نقلیه در عصر ظهور، تغییر کند، و به دلیل این تغییر نمی توانیم مصرف بنزین و گاز را تحریم کنیم. اصولاً تخریب سقف مساجد در مناطق سردسیری همچون سبیری روسیه، عاقلانه به نظر نمی رسد. شاید دستگاه ها گرمایشی خاصی در زمان آن حضرت وجود داشته باشد و مساجد را از زیر گرم کند؛ همان گونه که هم اکنون در مساجد ترکیه با وجود این گونه سیستم گرمایشی، هیچ کس احساس سرما نمی کند.

۵- امیرمؤمنان در روایاتی بر خلاف بودن وجود مناره پرداخته اند، اما هرگز به ترک آن مسجد، فرمان نداده اند؛ بلکه همواره به حضور در مسجد، سفارش کرده اند. در عصر ظهور نیز ممکن است جایگزینی بهتر برای مناره پیدا شود؛ چنان که امروزه شاهد مناره های پیش ساخته یا مناره و ستون نوری هستیم.

۶- امروزه ما موظفیم مساجد را در مناطق سردسیر و گرمسیر، با توجه به ضرورت های موجود، مسقف بنا کنیم؛ هر چند در عصر ظهور، تخریب

شود؛ هیچ یک از این عملکردها، غیر منطقی و ناعاقلانه نیست؛ چنان که تخریب و ساخت مجدد ساختمان‌ها خصوصا مساجد، به صرفه و اساسی‌تر از تعمیر آن است.

چنانچه مراد از مسجد فقط مکان مسقف یا شبستان آن نیست بلکه هر زمینی که وقف مسجد شود مسجد است، اگر چه بنا و ساختمانی نداشته باشد و به اندازه تسطیح زمین و برداشتن موانع برای نماز کافی است ولو حتی دیوار نداشته باشد.

۷- شاید منظور از این روایات، تخریب مساجدی که زمین آن غصبی است و در واقع مسجد نیستند ولی اصطلاح مسجد را یدک می‌کشند باشند.

ط. «مساجدهم» یا «مساجدالله»

«يَا تِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ ... مَسَاجِدُهُمْ يَوْمَئِذٍ عَامِرَةٌ مِنَ الْبِنَاءِ خَرَابٌ مِنَ الْهَدْيِ»^۱.

در رویارویی با تعبیری چون «مساجدهم» درمی‌یابیم که مقصود «مساجدالله» نیست! (چنان که در مسجد ضرار، گفتیم که اگر چه در آیات قرآن این مکان به نام مسجد ضرار نام گذاری شده اما قبل از اینکه

۱ نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۲۶۱.

مسجد شود به زباله دان تبدیل گشت.) بلکه مراد از آن، مراکزی است که به گمان خویش کار و کوشش در آن عبادت است و در آن مراکز فرهنگی؛ نماز جماعت هم خوانده میشود و آن را مسجد می‌پندارند! همان گون که در عصر سیدالشهدا ع این گونه مکانها در کوفه فراوان بود، و در دوران کنونی نیز در قالب کانون ها و مراکز مذهبی، فرهنگی یا دینی جلوه می‌کنند!

فصل دوم

مراکز فرهنگی دیگر

مراکز فرهنگی غیر مسجد به درمانگاه یا داروخانه ای می ماند که بدون حضور و نظارت پزشک اداره شود که از قبل تکلیف بیماران این درمانگاه مشخص است که هر چه خسران ضرر هست متوجه آنان است و طبیعتا متولیان امر بهداشت با شدت با چنین پدیده هائی مقابله می کنند و آنچه مایه تعجب است اینکه متولیان امر دین و فرهنگ مردم هیچ حساسیتی نسبت به مراکز فرهنگی بدون نظارت کارشناسان دینی ندارند

تا چندی پیش دلیلی برای طرح اینگونه بحث ها نبود ولی سرعت گرفتن ساخت و ساز حسینیه ها و امثال آن هر متدینی را نگران می کند. در حالی که در شرائط کنونی، همه چیز - خصوصا امور دینی - باید کارشناسانه باشد و الا اینگونه موارد به نام انقلاب و اسلام ثبت می شود. حال آنکه دولت هایی مثل صفویه به شدت مراقب اینگونه امور بودند (با

اینکه در اصل صوفی بودند ولی مساجد را محور قرار دادند و جمع‌خانه را به حاشیه بردند) که بحمدالله آثار آن تا کنون ادامه دارد.

یکی از معضلات و مشکلات دهه‌های اخیر، حسینیه‌ها و تکیه‌ها و مراکز فرهنگی است، معطوف شدن کانون توجه مردم به چنین مکان‌هایی، و کم توجه شدن نسبت به مساجد خطری بزرگ را به دنبال دارد.

موضوع بحث ما فقط حسینیه نیست، بلکه هر مرکز تجمعی غیر از مسجد را شامل می‌شود اعم از مهدیه، زینبیه، دارالقرآن، مهد، جامعه، نمازخانه، مصلی و دیگر موسسات فرهنگی یا مذهبی، البته غیر از مراقد مطهر ائمه علیهم‌السلام که در حکم مسجد هستند.

الف. اما حسینیه:

۱. امام حسین علیه‌السلام قربانی انحراف

هیچکس منکر نیست که قیام امام حسین علیه‌السلام اسلام را از بدعتها و تحریفات نجات داده است و این فرهنگ عاشورا و امام حسین علیه‌السلام است که خون را بر شمشیر و امامت را بر خلافت پیروز کرده است و سبب بقاء دین گردیده.

سلامت، صلابت و جاودانگی قیام امام حسین علیه السلام به تعدد و تنوع پیام‌های آن است و علمای دین و زعمای حکومت باید از افراط و تفریط‌ها جلوگیری کنند. چرا که تندروی یا موضوع را از بین می‌برد و یا نتیجه معکوس می‌دهد.

دشمنان دین وقتی دیدند ظهور انقلاب اسلامی توسط روحانیت و مساجد و منابر امام حسین علیه السلام بوده است و در ادامه نیز با همین شیوه پیش می‌رود و گسترش پیدا میکند و وقتی که فهمیدند توان مقابله و از بین بردن آن را ندارند، سعی کردند با جابجا کردن مهره‌های مؤثر در تبلیغ و به هم ریختن آن به اهداف خود برسند. مثل (روضه‌های بی منبر یا روضه‌های بی روحانی و روحانی بی مسجد) و تا حدودی نیز پیشروی کردند.

یکی از شیوه‌های دشمن جابجا کردن اولویت‌ها است که اولویت دوم یا چندم را به جای اولویت اول مطرح کنند و بزرگترین ضربه را به اسلام و جامعه بزنند. به قول معروف: (ترك واجب کرده و سنت به جا آورده ایم). خدای ناکرده قصد خدشه زدن به نیت خیرین و دلسوزان ساحت مقدس امام حسین علیه السلام را نداریم بلکه بحث در رهبری فرهنگی و ضرورت هماهنگی و نگرش کارشناسانه به شعائر مذهبی و مسائل دینی می‌باشد.

۲. اهداف مقدس

امروزه دشمنان اسلام در پرتو سوء استفاده از احساسات پاک و بی‌آلایش مردم و عشق ورزی و ارادت آنان به مذهب، به ویژه نفوذ عاطفی و فکری عاشورا در میان مسلمانان، حسینه‌ها و تکیه‌هایی را با هدف رقابت و تضعیف مسجد احداث می‌کنند؛ تا حدی که نه تنها به اهداف والا و مقدس مسجد، یاری نمی‌رساند، بلکه در پاره‌ای امور، مزاحم برنامه‌های مسجد نیز می‌گردد.

آری، امام امت علیه السلام در زمان حیات خویش حتی اجازه تعمیر و ساخت حسینه جماران را ندادند، و مقام معظم رهبری مد ظله العالی عملکرد هیچ حسینه‌ای را تأیید نکرده، اما در عین حال، حسینه‌ها در سراسر کشور، از نظر ساخت و نظافت ... گوی سبقت را از مساجد ربوده است! و عموماً توسط غیر کارشناسان در امور دینی اداره می‌شود و معمولاً در برنامه ریزی‌ها و کارهای خود از روحانی استفاده نمی‌کنند. و یا روحانی در آنجا بعنوان مهمان است نه میزبان، و یا اینکه خیلی زود با روحانی اصطکاک پیدا می‌کنند و طبیعتاً عزاداری‌ها خالی از محتوا می‌شوند و تنها ظواهری از عزاداری‌ها و اظهار محبت به سید و سالار شهیدان باقی می‌ماند و حتی بعضی اوقات اهل حسینه، با سبک‌های وارداتی یا اعمال ناشایست دشمنان را شاد و دوستان را ناراحت می‌کنند.

۳. تاریخچه حسینیه

از لحاظ فکری: به گروهی از فرقه زیدیه، حسینیه گفته می‌شد که عقاید و امامانی خاص داشتند و سه امامی بودند.

اما از لحاظ تاریخی، حسینیه، قدمتی کمتر از صد سال دارد و توسط سلطه گرانی همانند انگلیس و سلطه پذیرانی همچون قاجاریه و پهلوی ساخته شده است، اگر چه در ظاهر، این کار ضربه ای به استعمار و سلطه ی او محسوب میشود اما در دراز مدت نقطه قوت ما را تبدیل به نقطه ضعف می‌کند.

با کمال تأسف باید گفت: اکنون ساخت اماکنی که هیچ گونه سندیت روایی و تاریخی ندارد، به گونه‌ای در اذهان مردم ریشه دوانده که احداث آن‌ها را واجب‌تر و مقدس‌تر از مسجد می‌پندارند. چندان که در برخی مناطق کشور، مسجد وجود ندارد یا متروکه است، اما حسینیه‌های عظیمی بزرگ‌تر، زیباتر، مناسب‌تر و تمیزتر از مساجد احداث گردیده، یا بعضاً مساجدی که در توسعه خود تبدیل به حسینیه شده‌اند و یا به نام حسینیه مشهورند و مسجد متروکه مانده^۱ و بیم آن می‌رود که مصداق بارز آیه (وَ مَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ وَ

۱. مانند حسینیه اعظم زنجان که اصل آن مسجد بوده است.

سَعَى فِي خَرَابِهَا أُولَئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا خَائِفِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ^۱ شویم. زیرا هر کاری که خود یا، نتیجه آن، سبب بی رونقی مسجد شود، مصداق (وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ مَنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ) است.^۲

۴. کاروان سرا

حسینیه به کاروان سراهایی گفته می شده است که در مسیر کربلا قرار داشته و کاروانها در آنجا استراحت می کرده اند. نمونه هایی از چنین بناهایی هم اکنون در استان های لرستان و خوزستان که در مسیر کربلا قرار داشته اند وجود دارد و امروزه آن را زائر سرا می نامند.^۳

تا چندی پیش به مقداری از مسجد (احیانا حیاط) که نمی خواستند حکم مسجد داشته باشد تکیه و یا حسینیه می گفتند، گرچه حسینیه حتی اگر در کنار مسجد باشد باز هم بدلیل هویت جداگانه اش قهرا در دراز مدت با مسجد تضاد پیدا می کند.

در بعضی کشورها آن قسمت از مسجد که حکم مسجد ندارد را زاویه می نامند و کارکرد صفا را دارد که در مسجدالنبی مخصوص

۱ بقره/ ۱۱۴

۲ ر.ک: تفسیر نمونه، ذیل آیه مربوطه

۳ ر.ک: لغت نامه ی دهخدا

مهمانان و تازه واردین و مهاجرین بوده است (البته اینکه آیا صنفه داخل مسجد بوده یا نه بحثی فقهی است).

لذا حسینیه که مرافق و در کنار مسجد بوده امروزه تبدیل به رقیب مسجد شده است. به طوری که کمکی برای مسجد به حساب نمی آید بلکه مزاحم آن است. قبلاً کلیددار آن دو یکی بوده و محور هر دو علماء بوده اند ولی امروزه محور حسینیه ها افرادی با ویژگی های خاص (مانند هیكلی درشت، سیل بلند، اخلاق باز، انگشتر بزرگ هستند). شاید کمتر حسینیه ای دیده شود که روحانی عالم، فهیم، مقید، مخلص و متخلق به اخلاق اسلامی در راس آن باشد.

۵. برخی از اهداف مروجین احداث حسینیه ها

- دور کردن مردم از محوریت مسجد و روحانیت؛^۱
- اشراف به اعمال مذهبی مردم؛
- رقیب تراشی برای مسجد، محراب، منبر و روحانی؛
- معجوز برای نواختن آلات موسیقی؛^۲

۱. در حالی که یکی از عوامل اساسی پیروزی انقلاب اسلامی، رهبری مردم توسط عالمان مساجد بوده است.

۲. از دیدگاه مقام معظم رهبری -زید عزه- استفاده از آلات موسیقی، با عزاداری سالار شهیدان سازگار نیست و شایسته است مراسم عزاداری به همان صورت متعارفی که از قدیم متداول بوده، برگزار شود؛ ر.ک: رساله اجوبه الاستفتائات/۳۴۸.

دین‌گریزی و تدین‌زدایی به‌جای دین‌داری و شریعت‌مداری
کمرنگ‌سازی عقاید مذهبی مردم؛
خارج کردن عمود دین (=نماز) از مرکز دین (=مسجد)؛
دعوت از مشرکان (=سفیران اروپایی) برای شرکت در مراسم
عزاداری؛
نفوذ انحرافات به هدف اصلی قیام ابوعبدالله علیه السلام از طریق تعزیه‌های
همراه با انحراف و ایجاد شبهه در فروع برای القاء شبهه در اصول.
پررنگ کردن شبهات و کم‌رنگ کردن مسلمات.

۶. خط قرمز

در تمام ادیان، خط قرمزها و مرزهایی وجود دارد، که هرگز نباید پا
را فراتر از آن نهاد! این‌گونه مرزها معمولاً از جهان بینی و زیربنای فکری
ادیان و جوامع نشأت می‌گیرد و به عقاید و باورهای افراد بستگی دارد.

**تعداد انبیاء و ائمه علیهم السلام در آیات قرآن و روایات شریف ائمه
معصومین** به گونه‌ای واضح، تبیین گردیده و هرگز نمی‌توان بر شمار
آنان افزود، یا کم کرد! حتی شایسته‌ترین انسان‌ها را نمی‌توان امام سیزدهم
محسوب کرد! همچنین برترین و حکیمانه‌ترین سخنان، هیچ‌گاه جزئی از
آیات قرآن به شمار نمی‌آید؛ از همین رو، قرآن کریم ثابت کرده است که
هیچ کس نمی‌تواند حتی همانندی از آیه قرآن بیاورد.

از سادات و سیادت نیز جز در ذریه‌ی پاک پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نمی‌توان سراغ گرفت.

و اما «مسجد» نیز از چنین مواردی است؛ تنها بنایی که می‌تواند رفیع باشد (فِي بُيُوتٍ أُذِنَ اللَّهُ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْأَعْدُوِّ وَالْأَصَالِ) ، و رسول خدا صلی الله علیه و آله در طول مراحل گوناگون حیات مبارک خویش - پیش از هجرت و تشکیل حکومت، هنگام هجرت و پس از آن - فقط و فقط به ساخت مسجد، همت گماشته و مردم را از ساختن غیر مسجد - در هر قالبی - و تجمع در آن بر حذر داشته‌اند.

۷. نکات مثبت حسینیه:

۱- از نظر حکم آزاد است، ورود جنب و حائض در حسینیه بلا مانع است.

۲- می‌توان درب حسینیه را بست و روز قیامت معاقبه نشد، به خلاف مسجد که نمی‌توان به روی مردم بست و اگر بسته شود ظلم و گناه است.

۳- علماء و بزرگان حسینیه دارند. ولی از آن به‌عنوان مهمانخانه و دیوانه استفاده می‌کنند

- ۴- آوردن وسائل موسیقی نصب عکس و انجام قمه زنی و قربانی و ورود کفار و مشرکان برای تماشای عزاداری به آنجا بلامانع است.
- ۵- برگزاری مجالس فاتحه که در مسجد کراهت دارد، در حسینیه بلا مانع است.
- ۶- لازم نیست در ساخت حسینیه، جهت قبله یا ساخت محراب لحاظ شود بلکه حسینیه‌ها معمولاً پشت به قبله ساخته می‌شوند.
- ۷- تطهیر آن واجب نیست.
- ۸- می‌تواند اسماً یا موقتاً حسینیه باشد و در حقیقت ملک باشد اما مسجد اینگونه نیست.
- ۹- معمولاً اجناس و اموال حسینیه را وقف نمی‌کنند و از آنجا خارج می‌کنند (گرچه در مسجد نیز می‌تواند کالایی باشد و وقف نباشد).
- ۱۰- هر شرطی را با اختیار واراده واقف و بانی میتوان در ساخت و اداره حسینیه لحاظ کرد اما مسجد تابع شرایط خودش است نه واقف.
- ۱۱- از مکان حسینیه می‌توان جهت انبار و پارکینگ در غیر مراسم استفاده کرد.
- ۱۲- از مکان حسینیه در ایام غیر عزاداری استفاده عبادی نمیشود.
- ۱۳- حضور افراد جنب، زنان حائض و حتی کفار بلامانع است.
- ۱۴- به عنوان مسافرخانه یا زائرسرا میتوان از آن استفاده کرد.

۱۵- در کشورهای که پیروان اهل بیت در اقلیت هستند از حسینیه استفاده می کنند.

۱۶- لازم نیست بسیج و کانون و کتابخانه داشته باشد.

۱۷- اگر واقف تولیت بگذارد، دولت نمی تواند برکنار کند.

۸. عوامل کثرت حسینیه

شرکت نکردن متولیان دین و فرهنگ در مساجد به عنوان یک مسلمان.

محدودیت هایی که از ناحیه نبود قانون برای ساخت و نگهداری مساجد وجود دارد .

تعدد متولیان دولتی مساجد و جوابگو نبودن هریک از آنان.

سوء استفاده از تعبیر مردمی بودن مساجد توسط حضرت امام(ره).

فشارهای معنوی رهبران بدون راهنمایی به مرکز معرفت و معنویت مسجد (تأمین نکردن نیاز فطری مردم)

همراه کردن مساجد با ساخت مستغلات و صندوق و بسیج و ...

نبود احترام بایسته برای ائمه جماعات و جذب روحانیون به مراکز و کارهای اداری جهت امرار معاش.

همسان نبودن ساخت مساجد با توسعه شهرها و روستاها.

کافی نبودن رسانه ها برای نیازهای فطری.

تمرکز بخشیدن به مراسم شب‌های عاشورا و قدر و دیگر برنامه‌ها و سوق مردم به حسینیه‌ها.

۹. آسیب‌ها:

- ۱- برای نماز در حسینیه هیچ فضیلتی نقل نشده و مثل خانه و امثالهم می‌باشد.
- ۲- حسینیه، عاملی است جهت عدم بهره برداری از حضور علماء (در مسجد روحانیت میزبان و دیگران مهمانند ولی در حسینیه این قضیه برعکس است).
- ۳- مسجد مشروط به ولایت است و مسجدی که امام و ولی فقیه اجازه ندهد یا مخالفت کند مسجد نمی‌شود (مثل مسجد ضرار) ولی حسینیه چنین نیست یعنی حسینیه لا بشرط و احیانا بشرط لا است) حسینیه می‌سازند تا از ولایت گریزان شوند.
- ۴- وقف حسینیه حبس الملک و وقف مسجد فک الملک است لذا در حسینیه حق و تو وجود دارد بر خلاف مسجد.
- ۵- می‌توان حسینیه را در اصل وقف نکرد ولی نام حسینیه بر آن نهاد و از آن به‌عنوان ملک شخصی استفاده کرد.
- ۶- مسجد، علامت حاکمیت و حسینیه علامت محکومیت است، مسجد ما را مهاجم و حسینیه ما را مقهور می‌کند.

- ۷- تاسیس یا تعمیر حسینیه دلیل شرعی ندارد.
- ۸- فرقه‌های نوظهور در اینگونه اماکن رشد دارند نه در مسجد.
- ۹- شعارهای غلو آمیز در اینگونه اماکن رایج است.
- ۱۰- کارکرد حسینیه و خانقاه و امثالهم به هم نزدیک است.
- ۱۱- در صورت وجود مسجد اگر اقامه جماعتی در حسینیه باشد توهین به مسجد است.
- ۱۲- نداشتن حرمت و احترام، (لذا بعضا اعمال ناشایست مثل کف وسوت زدن، مصرف مواد مخدر، تجمع‌های بی‌فایده، وجود آلات لهو و لعب، موسیقی و نصب عکس‌ها و تمثال‌های کذائی در اینگونه اماکن صورت می‌گیرد).
- ۱۳- هر جا حسینیه است قهرا مقابل مسجد است نه موافق یا مرافق مسجد.
- ۱۴- چون مسجد مقدس است هر پولی را هزینه نمی‌کنند ولی از صرف پول شبه‌ناک در حسینیه ابائی نمی‌شود.
- ۱۵- معمولا حسینیه به نام افراد و در اختیار آنان است ولی مسجد نمی‌تواند منحصررا در اختیار فرد یا گروهی خاص باشد.
- ۱۶- در علائم آخرالزمان آمده که **(مساجدهم خالیه من الهدی و...)** و نگفته مساجدالله که این جای تامل دارد شاید حسینیه مصداق مساجدهم باشد.

۱۷- با ساخت مسجد از حسینیه بی نیاز می شویم اما هر چه حسینیه بسازیم از مسجد بی نیاز نمی شویم.

۱۸- وهابی ها در کتب خود می گویند **(ان للشیعه مسجد ضرار یسمی بالتکایا و الحسینیات)** و ما سند محکم و جواب قانع کننده برای آنان نداریم.

۱۹- وجه اشتراک شیعه اثنی عشری با اهل سنت در مسجد است و جدایی ما از فرقه های ضاله (صوفیه و امثالهم) نیز در مسجد است، چون آنها خانقاه و جمع خانه دارند.

۲۰- یکی از عوامل پیروزی انقلاب، رهبری عاشورا توسط علماء و مراجع بود اما در مثل کشور (هند و پاکستان) که توسط ذاکرین و عوام هدایت می شود کمتر به نتیجه می رسند چرا که در حسینیه ها علماء محور نیستند.

۲۱- التزام به نماز و واجبات در آن کمتر است چون محور مسجد نماز و محور حسینیه عزاداری است قهرا در حسینیه ها نماز به حاشیه می رود. لذا نماز جماعت صبح در حسینیه تقریباً نداریم و بعضاً در هنگام نماز در دهه محرم مشغول مراسم عزاداری هستند..

۲۲- محل ترویج خرافه پرستی مثلاً این نکات که (ما همه غرق گناهیم و یک حسین داریم)!

- ۲۳- هرج و مرج فرهنگی را باعث میشود که این خود، یکی از علل و عوامل بوجود آمدن واقعه عاشورا است. چراکه از مهمترین عوامل به وجود آمدن واقعه کربلا، افراط و محور نبودن مسجد و امام آن بود.
- ۲۴- تعدد مراکز و مسئولین فرهنگی بدترین بلا و مصیبت است و وجود مراکز فرهنگی مثل مجتمع ها، فرهنگ سراها و سازمانها در کنار مسجد (که مرکزیت تاریخی و دینی و انحصاری است) خطر به وجود آمدن عوامل پیدایش عاشوراها را دارد.
- ۲۵- افراط و تفریط در معارف و احکام و آداب باید کنترل شود و در حسینیه این کنترل نیست و بعضا علت پیدایش آن است.
- ۲۶- آمار ۳۰ هزار حسینیه بدون ولایت و روحانیت، پیامهای منفی بسیاری برای نظام دارد.
- ۲۷- مصرف مواد مخدر در اینگونه اماکن و نشستهای غیر مفید است و وجود افراد لایابالی زشت و زننده نیست.
- ۲۸- بدنبال عباسیه و حسینیه یک امامی شدن و نشناختن ائمه دیگر و حتی گاهی اهانت به انبیاء را در پی دارد و مسجد بیوت الانبیاء و اوصیاء است و اما دیده شده حسینیه با عباسیه اختلاف پیدا می کنند.
- ۲۹- شعار بی شعور و عدم بهره برداری و استفاده صحیح از حوادث و وقایع کربلا.
- ۳۰- تمرکز زدائی از مسجد و روحانیت.

۳۱- توسعه اسمی از حسینیه به عباسیه، مهدیه، فاطمیه، دارالقرآن و جامعه القرآن و غیره.

۳۲- تضعیف و متوقف شدن ساخت مسجد و ساخت بیش از ۳۰ هزار حسینیه بعد از انقلاب و چند برابر شدن ساخت حسینیه و امثالهم نسبت به مسجد.

۳۳- عترت بدون قرآن، اسلام بدون روحانیت و نماز بدون مسجد و خطر تفرقه.

۳۴- دین گریزی و تدین زدائی.

۳۵- رقیب تراشی برای مسجد و محراب و منبر و روحانی.

۳۶- مشابه سازی و مشترک سازی حقایق و واقعیات.

۳۷- دو دستگی فامیلی، صنفی و منطقه ای. هر جا حسینیه هست، اختلاف صنفی و فامیلی نیز هست، ولی مسجد برای همه قشرها و اقوام است، مگر اینکه حسینیه تابع مسجد و روحانی باشد.

۳۸- حسینیه مصداق اسراف است چون عمدتاً سالی چند روز آن هم چند ساعت باز است به خلاف مسجد.

۳۹- محل رشد و نمو فرق ضاله و گروه‌های تندرو.

۴۰- خارج کردن عمود دین (نماز) از مرکز دین (مسجد) و آسیب پذیر شدن نماز و خلوت کردن مساجد از اثرات آن است.

۴۱- داشتن مرکزی برای تخریب و فرقه گرایی و چشم و هم چشمی و برتری های قومی و فرقه ای. بطوری که احیانا غیر خودشان حق ورود ندارند.

۴۲- ترک ولایت اهل سنت را از حق دور ساخته و ترک مسجد شیعیان را با خطر مواجه می کند.

۴۳- آوردن آلات موسیقی و نواختن آن که متأسفانه از حالت عادی گذشته، خصوصا زیاد شدن زنجیر زنی به جای سینه زنی و سینه زنی به جای شناخت قیام و اهداف عاشورا.

۱۰. حسینه و حضور زنان:

یکی از مهمترین دلایل و توجیهاات سازندگان حسینه و امثالهم فراهم نمودن زمینه حضور زنان معذور در مناسبات و مراسمات مذهبی است در حالی که این بهانه به دلایل متعددی پذیرفتنی نیست:

زنان هیچگاه کمتر از مردان نیستند، (اگر بیشتر نباشند).

انتشار محرمیت از طریقه زنان است و کوثر قرآن به همین دلیل زن می باشد.

میانگین عمر زنان معمولا حدود ۴ سال بیشتر است و با در نظر گرفتن بلوغ آنان که ۶ سال زودتر از پسران شروع میشود، به این نتیجه میرسیم که زنان کمتر از مردان نماز نمی خوانند چون تمام ایام حیض زنان به

اندازه ۱۰ سال نماز نمیشود (از حدود ۱۰ سالگی شروع می‌شود و حدود پنجاه سالگی یائسه می‌شوند.

طول جوانی آنان بیشتر از مردان است (به اعتبار بلوغ) مردان ۱۵ ساله بالغ و تا چهل سالگی کامل میشوند و به سمت پیری می‌روند و زنان از ۹ سالگی بالغ و بعد از پنجاه سال یائسه میشوند و به طرف پیری می‌روند. تحمل درد و رنج آنان بیشتر است و حتی شکستگی استخوان آنان زودتر از مردان جبران می‌شود.

پیامبرانی که زنانشان همراه و هم فکر بوده‌اند تاثیر بیشتری داشته‌اند تا پیامبرانی که زنانی مخالف داشته‌اند، زنان در خیر و شر الگو هستند **(ضرب الله مثلا للذین آمنوا امرئہ فرعون)** و **(ضرب الله مثلا للذین کفروا امرته نوح)** برای مردان زن می‌تواند الگو باشد.

حضور زنان در قبل از اسلام و ظهور بعثت پیامبر در مسجد همواره مطرح بوده است. از اولین کسانی که به نماز پیامبر اقتداء کرد حضرت خدیجه بود.

بیش از ده ادب برای حضور در مسجد از مردان بیشتر دارند که علامت توجه و افضلیت است.

در مسجد پیامبر زنان برای ورود، درب مخصوص به خود داشتند (باب النساء) و بین زنان و مردان حتی پرده‌ای وجود نداشته و روزی هم مخصوص ملاقات پیامبر با زنان بوده و تا محراب حضرت، پیش

می‌رفته‌اند و با پیامبر به گفتگو می‌پرداختند و حتی ایشان با شرایطی با زنان بیعت کرده است.

اولین کسی که جلو حضور زنان در مسجد را گرفت و آنان را محروم از فیوضات فراوان مسجد کرد خلیفه دوم با همدستی عایشه بود. همواره زنان در خدمت به مسجد و ساخت مسجد شرکت داشته و هم اکنون در امور خیر از مردان پیشتانزند.

اگر مادر، خوب باشد پدر، هر کس باشد فرزندشان صالح می‌شود و اگر مادر صالح نباشد پدر، حتی اگر پیامبر هم باشد پسرش مانند پسر نوح می‌شود.

تاثیرگذاری در تربیت مرهون مادران و همسران است و در مسائل عاطفی و مذهبی و سیاسی پیشگامند.

شاید یکی از ادله منع حضور حیض در مسجد کنترل حضور آنان در خارج از خانه است. چرا که اگر زنان شیفته مسجد شوند و در همه ی زمانها، بدون قید و شرط بتوانند در مسجد حاضر شوند، به سختی میتوان آنان را کنترل کرد. و با حضور بی حساب در مسجد زندگی را مختل میکنند اگرچه حضور عبوری زنان حائض و استفاده از مسجد منع نشده .

ویژگی حیض:

۱- با اینکه قرآن می‌فرماید **(نساکنم حرث لکم فاتوا حرثکم...)**

هر گونه استفاده و استمتاع از زنان را جایز و مباح شمرده و تشویق هم

کرده و لکن برای ایام حیض در مورد آنان فرموده **(لا تمسوهن)** یا **(لا تبشروهن)** بلکه می فرماید **(فاعتزلوا النساء فی المحیض)** یعنی جدائی زن از مرد، نه صرف عدم کامروائی.

۲- از طلاق زنان در ایام حیض نهی شده چون در این ایام، طلاق داده طبیعی هستند.

۳- زناى مرد با نامحرم در ایام حیض همسر، زناى محصنه محسوب نمی شود و رجم ندارد.

۴- در دوره قاعدگی از همه چیز معاف هستند حتی در بعضی مناطق از اموری مثل آشپزی.

۵- نه خنده زیادی دارند نه گریه.

۶- حضور آنان نزد محضر و تشیع جنازه کراهت دارد.

۷- با هر چه در ایام حیض تماس داشته و آمیخته شوند بعد از پاکی با آن حساسیت منفی پیدا می کنند و شاید **«ترك الصلوة و المسجد»** به همین دلیل باشد که مسجد و نماز منفور آنان نشود.

۸- در اختلافات زناشویی تاثیر دارد به طوری که اگر زن و شوهر از هم متنفر شوند یکی از ادله ی آن معاشرت ایام حیض دانسته شده.

۹- آمار نشان می دهد با این حالت، میلی به شرکت در جشن و عروسی هم ندارند چه رسد به جلسات روضه خوانی.

۱۰- معمولاً به طور متوسط همیشه یک پنجم زنان حائض هستند ولی وقتی جمعیتی که برای مراسم شرکت می کنند یک پنجم آنان حائض نیستند.

۱۱- آمادگی بهره‌مندی از وعظ و ارشاد ندارند لذا اگر جایی هم شرکت کنند آمادگی بهره‌برداری ندارند.

۱۲- از نظر پزشکی در طول دوره نباید گریه کنند.

۱۳- پیاده‌روی زیاد آنان حتی برای رفتن به مسجد، مشکل‌زا است.

با بر شمردن اینگونه موارد نتیجه می‌گیریم:

۱- کسانی که به بهانه زنان حسینه می‌سازند نمی‌دانند که زنان در آن حال به حسینه نمی‌روند، و یا اگر هم بروند تاثیر مثبت آنچنانی ندارد. یا می‌دانند و تنها حضور زنان را بهانه قرار می‌دهند برای رسیدن به اهداف خود.

۲- کسانی هستند که وقتی مسجد می‌سازند به فکر ساخت جایگاهی مناسب برای زنان نیستند (جائی مثل زیر بالکن و پله یا نیم طبقه بالا در نظر می‌گیرند) و نمی‌دانند زنان در چنین مکان‌هایی بیشتر عصبانی می‌شوند یا تحمل بالا رفتن از پله را ندارند بدلیل اینکه معمولاً یا حامله‌اند یا کودک به همراه خود دارند در حالی که مثل بعضی کشورهای اسلامی (مانند مراکش) می‌توان دو شبستان ساخت.

- ۳- چرا وقتی حتی زنان در حسینیه هستند برای پذیرائی اول به فکر آنان نیستند ولی در ساخت حسینیه حضور آنان را بهانه قرار می دهند.
- ۴- آنان که به بهانه زنان حسینیه می سازند حتی در ساخت سرویس بهداشتی به فکر زنان نیستند تا جایی مناسب داشته باشند .
- ۵- چرا به نام زنان حسینیه می سازند و باز هم محوریت در آنجا با مردان است.

در نهایت باید بدانیم که زنان در مسجد آرامش و حضور بیشتری دارند.

در کمک به مسجد بیش از حسینیه اقدام می کنند.
نظافت و غبار روبی مسجد را مقدس می دانند نه حسینیه و امثال آن .
وقتی خداوند مهمترین واجبات مثل نماز و روزه را از آنان برداشته چه دلیلی برای کشاندن آنان به امور مستحبی داریم.
هر کاری را که در مسجد نمی توان انجام داد، در حسینیه نیز نباید انجام داد.

چرا پیامبر و ائمه به این فکر نبودند تا جایگاه ویژه ای برای حضور زنان حائض درست کنند.

چرا باید به بهانه چند نفر که عذر شرعی دارند، حسینیه را بزرگتر و مجهزتر از مسجد ساخت که بعضا اهانت به مسجد هم محسوب می شود.

و چرا باید به بهانه کسانی که عذر شرعی دارند بیشترین فضای مسجد را از ثواب صیغه شرعی مسجد محروم کنیم و تنها محراب و اندکی اطراف آن را شرعا مسجد قرار دهیم.

ای کاش در دانشگاه‌های زنانه و حوزه‌های علمیه خواهران و دانشکده‌های پزشکی نسبت به این فرضیه‌ها کار تحقیقی می‌کردند و جواب علمی هم برای آن ارائه می‌کردند.

۱۱. راهکارهای تصحیح:

۱- اگر مردم معتقد به حسینیه هستند دلیلش این است که روحانیون آنان را به این کار تشویق کرده اند، و اکنون نیز باید با ملایمت نظر آنان را برگردانیم لذا نباید جبهه بگیریم

۲- آیات و احادیث مسجد را مرتب بخوانیم و آنها را به صورت پوستر، کتیبه و کاشی با خط خوانا در معرض دید و توجه قرار دهیم و به این وسیله فرهنگ مسجد را ترویج نماییم .

۳- روحانیون، ساخت، تعمیر و اداره حسینیه‌ها را ترویج و تبلیغ نمایند و عضو هیئت امنا آن نشوند.

۴- دولت مجوز و خدمات خود را به حسینیه‌هایی بدهد که تابع مسجدند نه مستقل .

۵- مدیریت حسینیه‌ها با مسجد باشد .

- ۶- سعی شود حسینیه در کنار مسجد و تحت امر مسجد باشد.
- ۷- سعی کنند با وجود مسجد در حسینیه امامت نکنند. و اگر مسجد نبود و مجبور شد در حسینیه و نمازخانه نماز بخواند به قصد تبلیغ و ساخت مسجد بخواند.
- ۸- در جایی که مسجد نیاز است، حسینیه ساخته نشود.
- ۹- تعیین اینکه حسینیه‌ها معمولا موجب انحطاط فکری و حزب‌گرایی و تفرقه در اصول می‌شوند.
- ۱۰- باید فقط برای ساخت مسجد اجازه صادر شود زیرا (کل بناء وبال علی صاحبه الا المسجد) و (فی بیوت اذن الله ان ترفع)
- ۱۱- توجه دادن به اینکه امام راحل (ره) و مقام معظم رهبری تا کنون ترغیب و تشویق قوی برای ساخت و ترویج حسینیه نداشته‌اند.
- ۱۲- شروع و ختم عزاداری‌ها از مسجد و به مسجد باشد تا محوریت مسجد مخدوش نشود.
- ۱۳- جلوگیری از ساخت حسینیه در مراکز دولتی و نظامی مثل ارتش و سپاه و ادارات.
- ۱۴- حسینیه‌ای که شرعا وقف نیست و قابلیت مسجد دارد آن را تبدیل به مسجد کنیم. و یا با توسعه از طرف قبله و انضمام حسینیه به مسجد، مشکلات را تا حدودی حل کنیم.

۱۵- روحانی در حسینیه تبلیغ نکند و پول جمع نکند و عضو هیئت امنا نشود و اگر شد، آنرا هدایت کند تا باعث بی رونقی مسجد نشود. همچنین ساخت، تعمیر و اداره آن را ترویج نکند.

۱۶- اعلام اینکه نماز فقط در مسجد است که ده ها و صدها برابر ارزش دارد در حالیکه حسینیه شأن مسجد را ندارد و ثواب اقامه نماز و عبادت در آن به مانند خانه است. و اگر توهین باشد چه کسی جوابگو است.

۱۷- تبیین اینکه حسینیه جایگاه فقهی و تاریخی و حتی استنادی به سنت پیامبر ﷺ و ائمه نداشته و ندارد.

۱۸- تبیین اینکه امریکا و دشمنان اسلام از مسجد می ترسند نه حسینیه و امثالهم.

۱۹- مسجد مجهز تر و تمیز تر و هوای بهتری داشته باشد تا وجود حسینیه توهینی به مسجد محسوب نشود.

۲۰- توجه به اینکه مسجد هم (اول بیت) است و هم (وضع للناس) و هم (قیاما للناس)، لذا بناء و مبناء و بانی مسجد، هویتی قوی و محکم دارند و مورد عنایت قرآن هستند.

۲۱- کارکردهای مسجد را تبیین کنیم، به طوری که فرهنگ مسجد و مسجدی جزء فرهنگ متحجرین قرار نگیرد و علامت و نمادی از سرویس بهداشتی و تابوت گریه و بد اخلاقی نشود.

- ۲۲- اعتنای بیشتر روحانیون و علماء نسبت به امامت و مدیریت مسجد.
- ۲۳- جلوگیری از ساخت و گسترش حسینیه به فاطمیه مهدیه زینیه عباسیه کاظمیه و... باشد.
- ۲۴- جلوگیری از حسینیه‌های متعدد در یک خیابان یا کوچه چرا که فاصله دو مسجد منعی در شرع مقدس ندارد ولی برای حسینیه جز گسترش اختلاف و تفرقه ثمره‌ای دیگر مترتب نیست.
- ۲۵- در تجدید بناها توسعه حسینیه را به نام مسجد انجام دهند، و مثل مسجدالنبی که قسمت روضه با ستون‌های رنگی مشخص شده مسجد هم با حسینیه با ستون رنگی مشخص شود.
- ۲۶- سیاست‌گذاری و حمایت از مساجد و ساخت آن.

۱۲. معابد یا مسجد ضرار

ما نمی‌توانیم در هر کشوری مسجدالحرام بسازیم و در آنجا طواف کنیم ولی از مواردی که به پیامبر خاتم امتیاز داده شد ساخت مساجد است در هر کجای زمین است (الحمد لله الذی جعل لی الارض مسجدا و طهورا) مگر در مکان مسجد ضرار که پیامبر اجازه نداد در توسعه مسجد هم قرار گیرد و دستور داد آنجا را زباله‌دانی کنند.

معابد ادیان دیگر چه قبل از فتح مسلمانان و چه بعد از فتح توسط مسلمین، حکم مسجد را دارند اما اماکن مذهبی داخل دین که در مقابل دین قرار گیرند ضرار محسوب می‌شوند به هر اسمی که باشد حتی به نام مسجد. نتیجه اینکه معبد همه ادیان الهی برای ما حکم مسجد دارد ولی معابد گروه‌های ضاله حکم مسجد را ندارد.

حدیث نبوی «**كُلُّ بِنَاءٍ وَبَالَ عَلَيَّ صَاحِبِهِ إِلَّا الْمَسْجِدَ**» با فرهنگ و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام توافق دارد. بنابراین: «سقیفه بنی ساعده»، «دارالندوه»ها و مراکز فساد و تفرقه - همانند مسجد ضرار- مردود شمرده شده است؛

مفسران معتقدند: دشمنان خدا، آن مکان را برای مسجد، اتخاذ کردند، نه خداوند^۱

بنابراین می‌توان نتیجه گرفت: هیچ مسجدی را نمی‌توان ضرار نامید؛ و مسجد ضراری که در قرآن آمده قبل از مسجد شدن توسط پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم تخریب گردید و رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم هرگز در آن مکان، حاضر نشد و نماز نخواند^۲ و لذا هیچکدام از مفسرین آن را مسجد نمی‌دانند نه اینکه مسجد شد و بعد ویران گردید. زیرا وجود چندین مسجد در مکانی واحد نیز از

۱ توبه/ ۱۰۷

۲. آن مکان، قطعاً با قیام برای عبادت، نام مسجد به خود می‌گرفت، و هرگز پیامبر خراب نمی‌کرد و مساجد، مکان‌هایی مقدس و متعلق به خدا و ملک او هستند.

باب «کثرت در وحدت» است و اشکالی بر آن مترتب نیست. چرا که کارکرد مساجد، یکسان بوده، در فراخوانی مردم به آفریدگار، دین و قبله‌ای واحد، تفاوتی ندارند.

هیچ روایت و فتوایی فاصله بین در مساجد را بیان نکرده بلکه مساجدی مثل مساجد سبعة و امثالهم که در کنار هم ساخته شده اند سابقه تاریخی دارد.

در دوران گذشته، در شهرهای ایران نیز مساجد با فواصل اندک احداث می‌گردید، و در بعضی مناطق هر هفت خانه مسجدی داشتند یا هر دربند و قلعه‌ای مسجدی داشتند و برای نماز فرادی و جماعت در آن حضور پیدا می‌کردند و برای زنان سهل الوصول بود و امنیت و حامی داشت و در ناامنی‌ها در این مساجد تجمع کرده و نماز را فرادی و احیانا با جماعت می‌خواندند اما همواره پررونق بوده، مردم هنگام ابتلا به مصیبت‌ها و اندوه‌ها، شکرگزاری به مساجد، پناه می‌بردند و به حاجت‌طلبی در خانه‌های خدا می‌پرداختند.

مساجد در هر مکان و دیاری، موجب رشد و بالندگی بیش‌تر مردم می‌شود و بر تعداد مردم برای شرکت در مساجد می‌افزاید و هنگام نیاز به پیام‌رسانی وسیع و عمومی مساجد جامع که محل اقامه نماز جمعه و اعتکاف است حضور مردم پررنگ‌تر و مفیدتر است. و لذا نباید نگران کثرت مساجد در محلات مختلف بود. بعضی فقهای اهل سنت قائل به

مشترک المنافع بودن مسجدها، لذا انتقال اجناس مسجدی برای مسجد دیگر را جایز می‌دانند چنانچه فقهای شیعه اجناس بلااستفاده در مسجد را اجازه انتقال به مساجد دیگر می‌دهند.

۱۳. ائمه علیهم‌السلام و مسجد ضرار

ائمه‌ی طاهرین علیهم‌السلام هیچ مسجدی را «ضرار» نامگذاری نفرمودند، حتی مساجدی مثل مسجد جامع اُموی شام و چه بسا در مساجدی که ناسزاگویی و سبِّ امیرالمؤمنین علیه‌السلام رواج داشت، حضور می‌یافتند و در هیچ کتاب و سندی نیامده که ائمه معصومین مسجدی را برای خود یا اصحاب خود ساخته باشند که اختصاص به پیروان خودشان داشته باشد، همچنین از آن بزرگواران، گفتاری مبنی بر حاضر نشدن مردم در مساجد منسوب به خلفا ... نقل نگردیده، بلکه بر حضور، سفارش کرده‌اند و امروزه به نظر فقهاء مساجد شیعه و سنی با هم فرقی ندارد چه از نظر حکم و چه از نظر فضیلت.

۱۴. غربت مساجد، چرا؟

امروزه با سوء استفاده از گفتار حضرت امام راحل قدس سره و در پرتو تدبیر دیگر اندیشان، سهل انگاری برخی متولیان امر فرهنگ، و تبدیل ضرورت‌های قبل از انقلاب به بایسته‌های فرهنگی، ساخت و ترویج غیر

مسجد،) مانند گسترش و تبلیغ فرهنگ سراها و آموزش امور غیر ضرور و بعضاً مضر با عنوان کار فرهنگی) به دست خودی‌ها به گونه‌ای شتابنده و فزاینده آغاز گردیده، گستردگی عنوان و مَعْنون را در پی داشته است.^۱

با دشمنان وحدت داشته و در تقسیم کار پیش خود بگویند نسل جوان برای ما و نسل بازنشسته برای شما مسجدی‌ها. و می‌بینیم کار عملاً به این سمت پیش می‌رود و جالب اینکه هر ساله برای این امر مبالغی کلان از طرف دولت و بیت المال و متولیان امر فرهنگ هزینه می‌شود).

هم اکنون ساخت غیرمسجد معمولاً توسط متولیان فرهنگی کشور، و از لحاظ قانونی نیز آسان‌تر از احداث مسجد صورت می‌پذیرد، بی دلیل نیست که ساخت حسینیه خصوصاً در دو دهه اخیر چند برابر مسجد شده است و روز به روز مسجدسازی از نظر قانون سخت‌تر میشود. و این قوانین دست و پا گیر مردم را از روی آوردن به ساخت مسجد فراری می‌دهد که حکایت از عمق نفوذ عقیدتی و شیخون فرهنگی دشمنان اسلام بین خواص ما دارد.

بیش از ده ارگان منتسب به دولت بر مساجد حکم می‌رانند و امام و امامت مسجد را به حاشیه کشانده‌اند و با هر بخشنامه‌ای مساجد را محدود

۱ مجتمع‌های مذهبی، نمازخانه‌ها و حسینیه‌ها به جای مساجد؛ همچنین از دارالقرآن به مکتب القرآن، بیت القرآن، جامعه القرآن و ... و از حسینیه به عباسیه، بیت الرقیه و ...!

و مأمور می کنند و اگر بودجه ای به مسجد اختصاص می دهند برای امور غیر ضروری و غیر مربوط و احیاناً محصور کردن مسجد است. بی جهت نیست که مردم مسجد نمی سازند تا تسلط ارگان ها را نداشته باشند و حسینیه می سازند که در اختیار خودشان باشد و کسی مزاحمشان نشود. علاوه بر آن با دخالت های دلسوزانه مساجد را وادار به ساخت سرویس بهداشتی، آشپزخانه و صندوق و کانون و بسیج و امثالهم کرده و مسجد را مقروض می نمایند در حالی که این امور از وظایف دولت اسلامی است.

۱۵. نماز در حسینیه

ثواب هر رکعت نماز در امثال حسینیه را، حتی دو رکعت نیز نوشته اند و با نماز در خانه و امثال آن فرقی ندارد؛ چه رسد به ده ها و صدها برابر. و اصولاً خواندن نماز جماعت در خارج از مسجد، توصیه نشده و حتی در برخی تعابیر از مردود بودن و قبول نشدن آن، سخن به میان آمده است.^۱

۱ ثواب نماز در هیچ مرکزی، هر چند مقدس، جز مرقد ائمه اطهار -علیهم السلام- به ویژه مرقد امیر مؤمنان (ع) مضاعف ذکر نشده است و میدانیم که مراقد ائمه در حکم مسجد هستند.

خوشبختانه مردم، خردمند و آگاه و برای نماز، کمتر در حسینیه‌ها^۱ حاضر می‌شوند و رغبت چندانی به مراکز فرهنگی دیگر از خود نشان نمی‌دهند. این گونه بناها، هر چند با عناوینی مقدّس جلوه کنند، همواره از کمک‌های بایسته مردمی محرومند.

به تعبیر دیگر، مردم بدون هیچ تبلیغی هزینه‌های مسجد را اگرچه گاهی سنگین است، می‌پردازند و به غیر مسجد حتی در صورت تشویق و تبلیغ استقبال چندانی برا کمک کردن ندارند.

۱ اقامه نماز جماعت به ویژه نماز صبح در حسینیه‌ها به ندرت یافت می‌شود.

امتیازات مسجد بر حسینیه و امثال آن:

- ۱- با ساخت مسجد از حسینیه و امثال آن بی نیاز می شویم.
- ۲- توجه به مسجد توجه به امام حسین علیه السلام و اهداف اوست.
- ۳- ساخت مسجد متیقن است و ساخت غیر مسجد مشکوک و شبهه ناک است (از جهت ثواب و مجوز الهی) و میدانیم یکی از اصول فقه شیعه (وقوف عند الشبهات) است.
- ۴- هر چه در مسجد باشد ماندگار و جاودانه است (مثل کتابخانه و حمام و قبور صالحین در کنار مسجد).
- ۵- اهمیت دادن به مسجد توان مسابقه ما با دیگر فرق اسلامی را بالا می برد.
- ۶- با رونق آن شیعه هیچ کجا محکوم نمی شود بلکه موجب تقویت و تفوق می گردد.
- ۷- بهترین کنترل کننده عواطف در عزاداری ها یا جشن ها از انحرافات است.
- ۸- عزاداری ایام محرم در آن مفیدتر و هدایت شده تر است.
- ۹- هیچ گاه تابع حکومت ها نمی شود (در زمان طاغوت حکومت وقت نتوانست هیچ تسلطی بر مساجد پیدا کند و انقلاب از راه همین مساجد به پیروزی رسید).
- ۱۰- مروجین مساجد اولیاء و متقین هستند نه حاکمان و طواغیت.

- ۱۱- در آن شبهات زیادی دفع می شود.
- ۱۲- دشمنان از مسجد بیش از اماکن دیگر می ترسند.
گروه‌های انحرافی و نوظهور مثل دعانویسان در مسجد رشد نکرده‌اند و جایی ندارند.
- ۱۳- محلّ إفتراق شیعهٔ ۱۲ امامی با فرق ضالّه است. چون همهٔ آنان با مسجد ارتباطی ندارند (و اماکنی چون خانقاه و جمع خانه دارند).
- ۱۴- محلّ بروز شریعت مداری به جای شریعت گریزی است.
- ۱۵- مسجد اثر تربیتی و غیر مسجد اثر آموزشی دارد.
- ۱۶- محلّ توکّل به جای بیمه، انصاف به جای امداد، همزیستی به جای بهزیستی، رفاقت به جای شراکت، قناعت به جای حرص، تواضع به جای تکبر، فخر فروشی، و ایثار به جای تفقّر و اعتدال به جای افراط است.
- ۱۷- محلّ إطعام به جای طمع، مصرف به جای اسراف، بذل به جای تبذیر، تعادل به جای تکاثر، زهد به جای تزهد، عرف به جای تعریف، معروف به جای تعارف، عمل به جای استعمال، عمران به جای استعمار، تکریم به جای تحقیر، إکرام به جای إنعام، احترام به جای ترحم، بهاء به جای بهانه، فراغت به جای اشتغال، سربلندی به جای سرگرمی، استواری به جای سرافکنندگی و صراط مستقیم به جای سردرگمی است.

۱۸- محلّ تشهد به جای شهادت، قسمت به جای قسم، تعبّد به جای عبادت، استعانت به جای اعانه،، دلگرمی به جای دلهره، پشتگرمی به جای دلسردی، امید واری به جای ناامیدی، رضا به جای ربا، سوز به جای سود، دیدن به جای شنیدن، تحرّک به جای تنبلی، برکت به جای تکثر، جماعت به جای تجمّع، تحمل به جای تحمیل و عرضه به جای احتکار است

ب. مصلی

و اما بحث «مصلّا» و نهضت مصلّا سازی که اخیراً مطرح شده، خود مبحثی بسیار گسترده است، که باید در کتابی مستقل به آن پرداخت. در تاریخ نبوی خواننده ایم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اجازه نفرمود برای احداث مصلّا خشتی روی خشت دیگر بگذارند، مصلّا جائیست که هیچ بنائی نداشته باشد و فقط در آنجا نماز استسقاء و احیانا نماز عیدین می خوانند و اسم مصلی به مسجد اطلاق نشده بلکه به جای نماز در مسجد الحرام اطلاق می شود (و اتخذوا من مقام ابراهیم مصلی). در این زمینه فقط به ذکر نکاتی چند، بسنده می شود؛

۱. نماز جمعه در مصلی

ثواب هر رکعت نماز در مصلّا حتی دو رکعت محسوب نمی شود.

علماء امامیه تقيه در نماز را تنها در مسجد جایز می دانند، چون مسجد در فرهنگ شیعه و سنی تفاوتی ندارد، گرچه نماز تفاوت هائی دارد. از این رو در غیر مسجد تقيه لازم نیست و لزوم شرکت در مجالسی که در خارج از مسجد میگیرند و احیانا نمازی که در خارج از مسجد می خوانند وجود ندارد و تقيه لازم نیست.

اهل سنت، یکی از شرایط برپایی نماز جمعه را، وجود مسجد جامع می دانند! و جائی که مسجد نباشد شرائط نماز جمعه را ندارد.

مصلّاه و وقف نیستند؛ زیرا سندشان به نام شورای سیاست گذاری است، که این مسأله، آسیب های حقوقی را در پی خواهد داشت! معمولاً مردم، با تاخیر و دیرتر در مصلّاه برای نماز جمعه و ... حاضر می شوند و در مساجد جامع برای نماز جمعه زودتر حاضر می شوند و دیرتر می روند.

مردم بر پرداخت و تحمل هزینه های مصلّاه، رغبتی از خود نشان نداده اند و حتی به اندازه هزینه ی سرایداران و آب و برق را نیز تاکنون نمی پردازند.

۲. مصلی و اعتکاف

به دلیل نداشتن عنوان مسجد، در ایام اعتکاف، که خوشبختانه به عنوان یک فرهنگ رایج گردیده، قابل بهره برداری نیست و مساجد جامع

امکانات اعتکاف را ندارد و مصلی (که امکانات دارد) در حکم مسجد نیست و اگر اعتکاف به جمعه برسد قهراً معتکفین در نماز جمعه شرکت نمی کنند. در حالی که شاید از دلایل اعتکاف در مسجد جامع حضور معتکفین در نماز جمعه باشد.

۳. دفاع از مصلی

چون مسجد نیست، لزوم دفاع و رعایت طهارت آن وارد نشده است و فتوایی بر آن نداریم که آنرا ملحق به احکام مسجد کرده باشند. مصلی بر خلاف مساجد جامع، که وظیفه‌ی مردم، تعمیر آن‌ها است، و خوب تعمیر ندارد و دلیلی نداریم که عامران آن مصداق آیه «**أَنَّمَا يَعْمُر** مساجد الله» باشند.

حاکمان با این که همواره به دنبال گریز از محوریت اسلام بودند، هرگز مصلایی را بر مسجد ترجیح ندادند و آن را ترویج نکردند. مصلّاهای غالباً در طول ایام سال، ماه و هفته تعطیل هستند و فقط برای ساعاتی در روز جمعه یا نماز عیدین قابل بهره‌برداری‌اند، بر خلاف مساجد جامع که علاوه بر نماز جمعه، به نمازهای یومیّه نیز می‌پردازند خصوصاً نماز حج.

در تاریخ نمی توان نشانی از مصلای ساخته شده یافت و هم اکنون کمتر مصلاهی می توان پیدا کرد که تکمیل باشد و نمونه ای موفّق از آن، وجود ندارد.

اگر امام جمعه بامسجد جامع یا هیأت امنای مشکلی دارند باید مشکل را حل کرده اینکه صورت مساله را منحل کرد. و متأسفانه آمار نشان میدهد تعداد ائمه ای که درمسجد اقامه جماعت میکنند سال به سال کمتر می شود.

حرف آخر

حسینیه و مصلی دو نمونه از اماکن مذهبی مهم بودند که به اجمال مورد بحث قرار گرفتند، و جا دارد اهل فضل و طلاب و روحانیون معظم به آسیب شناسی این گونه اماکن و مراکز فرهنگی بیشتر از پیش همت بگمارند. اماکنی همچون دارالقرآن، مهدیه، عباسیه، و... امید است این چند صفحه توانسته باشد بایی برای تحقیق و تفحص بیشتر بر روی اهل علم گشوده باشد. ما را از تحقیقات و نظرات مفید خود بی نصیب نگذارید.

قم-دارالشفاء

موسسه مسجد